

مانند یک راهب ترید کن

هارنیک سینگ خاربندا

مترجمان: مهسا سیدی، امید اسفندیاری

انتشارات زرنوشت

تهران - ۱۴۰۱

سرشناسه : هارنیک سینگ خاریندا
عنوان و نام پدیدآور : مانند یک راهب ترید کن / هارنیک سینگ خاریندا، مترجمان: مهسا سیدی-امید اسفندیاری
مشخصات نشر : تهران: زرنوشت، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.
شابک : ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۸۸ - ۶۴۱ - ۷
وضعیت فهرست‌نویسی : فنیپای مختصر
یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در <http://opac.nlai.ir> دسترس است.



انتشارات زرنوشت

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی،
کوچه مهدی‌زاده، شماره ۲۷، واحد ۱۹
تلفن: ۰۹۰۲۴۸۶۸۹۵۶ - ۶۶۴۷۹۶۱۵ - ۶۶۴۳۵۶۳۷
www.zarnevesht.com

مانند یک راهب ترید کن

نویسنده: هارنیک سینگ خاریندا

مترجمان: مهسا سیدی-امید اسفندیاری

• چاپ اول: ۱۴۰۱ • شمارگان: ۱۰۰ نسخه • ناشر: زرنوشت

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۸۸ - ۶۴۱ - ۷

قیمت: ۶۵,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

این کتاب را به پدر و مادرم، همسر و دختر دوست داشتنی ام تقدیم می‌کنم.

نویسنده



Trader98.com

توضیحات اولیه

این کتاب فقط باید به عنوان یک منبع آموزشی مورد استفاده واقع شود و نمودارهای تکنیکال یا سهام ذکر شده نباید به عنوان توصیه سرمایه‌گذاری یا معامله‌گری تلقی شوند. این کتاب نوشته شده تا خوانندگان از اهمیت روانشناسی در زمینه معاملات و سرمایه‌گذاری آگاه شوند.

لطفاً قبل از ورود به بازارهای مالی یا سرمایه‌گذاری در آن با پولی که به سختی به دست آورده‌اید، با مشاور مالی و معامله‌گری خود مشورت کنید.



Trader98.com

فهرست

- توضیحات اولیه..... ۵
- مقدمه..... ۱۱
- قدردانی‌ها..... ۱۳
- مقدمه مترجمان..... ۱۵
- فصل اول: چراغ‌های چشمک‌زن**..... ۱۷
- فصل دوم: ابتدا خودتان را بشناسید**..... ۲۵
- فصل سوم: آیا ما یک ذهنیت معامله‌گر حرفه‌ای داریم؟**..... ۳۳
- آیا ذهنیت ما ذهنیت یک معامله‌گر است؟..... ۳۳
- فصل چهارم: سه میمون**..... ۳۹
- فصل پنجم: سه فروشنده**..... ۴۵
- فصل ششم: ژورنال معاملاتی**..... ۵۱
- چگونه یک ژورنال معاملاتی ایجاد کنیم؟..... ۵۲
- اهمیت یک ژورنال معاملاتی..... ۵۳

۵۷.....	فصل هفتم: مصاحبه ها.....
۵۸.....	مصاحبه اول: استیو برنز تنسی، ایالات متحده آمریکا.....
۶۲.....	مصاحبه دوم: ایندرازیت شانتاراج بنگالورو، هند.....
۶۷.....	معاملات روزانه (در طول یک روز).....
۷۶.....	مصاحبه سوم: جیک وو جاستیک Highlands Ranch, CO, USA.....
۷۹.....	مصاحبه چهارم: صومیا مالانی کلکته، هند.....
۸۸.....	مصاحبه پنجم: جیمز گیلن نیویورک، ایالات متحده آمریکا.....
۱۰۰.....	مصاحبه ششم: راجارشیتا سور بمبئی، هند.....
۱۰۸.....	مصاحبه هفتم: پیوش چودری بمبئی، هند.....
۱۱۱.....	سخن پایانی.....



Trader98.com



مجموعه ی ATS در آغاز با این هدف ایجاد شد که بتواند با تزریق علم روز اقتصاد و دانش درست و اصولی به جامعه ی معامله گری ایران، باری از دوش معامله گران بردارد... در این راه، علاوه بر استفاده از تمام تجربیات خود، کوشیدیم تا با افزایش دانش خود و اعضای مجموعه و همین طور استخدام بهترین اساتید در این حوزه، به این هدف والا دست یابیم.

مجموعه ی ATS مفتخر است که در حوزه ی فاندامنتال، تکنیکال و روانشناسی در حال همکاری با بهترین اساتید است. همینطور ATS به خود افتخار می کند که تاکنون توانسته، شاگردان موفق را به بازارهای مالی تحویل دهد... همان طور که نگفته هم پیدا است مسئله ی روانشناسی در معاملات از جایگاه فوق العاده ای در موفقیت یک معامله گر برخوردار است، بطوری که ATS تیم جداگانه ای برای مطالعه و پژوهش در این حوزه آماده کرده و از نتایج این تحقیقات معامله گران را بهره مند ساخته است ...

کتاب پیش رو نیز قدمی دیگر برای تحقق هدف مجموعه است. این کتاب توسط دو تن از اعضای مجموعه یعنی سرکار خانم مهسا سیدی و جناب آقای امید اسفندیاری ترجمه گردیده و در اختیار معامله‌گران قرار گرفته است. از خداوند متعال خواستاریم تا بتوانیم در حد بضاعت و توان، یاری‌رسان معامله‌گران در این بازار پر هیجان و نوسان باشیم.

مدیریت مجموعه ی ATS

محمد خادم ثامنی - بهنام ظل



Trader98.com

مقدمه

من به مدت ۵ سال است که یک معامله‌گر تمام‌وقت در بازارهای سهام هستم و نسبتاً هم در فضای مجازی فعال هستم، من در این مدت با هزاران معامله‌گر و سرمایه‌گذار از طریق شبکه‌های اجتماعی و مستقیماً به صورت حضوری در کنفرانس‌ها و همایش‌های معامله‌گری در هند ارتباط برقرار کردم.

در این ارتباط با معامله‌گران و سرمایه‌گذاران چه آن‌هایی که مدت‌ها در این حوزه مشغول به فعالیت هستند و چه آن‌هایی که تازه در حال شروع مسیر خودشان به دنیای بازار سهام هستند، یک فکر مشترک پیدا کردم که همه‌ی آن‌ها بیش از حد روی بخش‌های استراتژی و تکنیکال معامله‌گری تمرکز کرده و اغلب بخش روانشناسی بازار را نادیده گرفته‌اند.

اگر شما با هر معامله‌گر یا سرمایه‌گذار حرفه‌ای ارتباط برقرار کنید به شما خواهند گفت که روانشناسی در معامله‌گری چقدر به آن‌ها کمک کرده است که معامله‌گران و سرمایه‌گذاران بهتری باشند. در حقیقت من باور دارم که روانشناسی و ذهنیت تریدر ۸۰ درصد اهمیت تبدیل شدن به معامله‌گر برتر را تشکیل می‌دهد چون همه می‌توانند تحلیل‌گر بهتری شوند، اما ما می‌بینیم که معامله‌گران فوق‌العاده و برتر، آن‌هایی نیستند که سابقه‌ی آموزشی طولانی دارند بلکه آن‌ها کسانی هستند که توانایی و مهارت استادانه‌ی کنترل ذهنشان را دارند. اینجا در بازار تو در مقابل خودت قرار داری نه در مقابل بازار....

قدردانی‌ها

من از همه مربیانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به من کمک کردند تا به یک معامله‌گر بهتر تبدیل شوم، سپاسگزارم. من همیشه از یک نفر سپاسگزار خواهم بود، کسی که بدون او، حتی نوشتن این کتاب ممکن نبود، ایندرازیت شانتهرج. من او را چند سال پیش در بنگالورو ملاقات کردم. با وجود اینکه او شخصاً من را نمی‌شناخت و تا آن زمان فقط چند بار با پیام‌هایی در توییتر ارتباط برقرار کرده بودیم، او با من ملاقات کرد و دو روز در کنار من بود و همه چیز را در مورد نوشتن کتاب به من توضیح داد و برای تهیه این کتاب به صورت روزانه همراه من بود و به من کمک کرد. او وقتی که چند سال پیش اولین کتابش را منتشر کرد، با مشکلات زیادی مواجه شد، به همین دلیل می‌خواست مطمئن شود که من هم آن همه سختی را متحمل نخواهم شد و به معنای واقعی کلمه مسیر را آن قدر هموار کرد که بتوانم این کتاب را با خیال راحت بنویسم. او حتی من را به ویراستار این کتاب - تونی گومز - معرفی کرد؛ بنا بر اینمن واقعاً نمی‌توانم به اندازه کافی و لازم از شما تشکر کنم، برادر. من می‌خواهم از همه معامله‌گران شگفت‌انگیزی که برای این کتاب با آن‌ها مصاحبه کرده‌ام، تشکر کنم. ممکن است دیده باشیم که بسیاری از معامله‌گران سعی می‌کنند سبک معاملاتی خود را پنهان کنند و دوست دارند آن را فقط برای خودشان نگه دارند؛ بنا بر این نگران بودم که آیا بتوانم آن‌ها را متقاعد کنم که بخشی از این کتاب باشند، اما در کمال تعجب، همه معامله‌گرانی که از آن‌ها درخواست کردم، بلافاصله موافقت کردند.

مقدمه مترجمان

پا گذاشتن به دنیای معامله‌گری، پای گذاشتن به دنیای ناشناخته‌هاست، دنیایی که هیچ حد و مرزی در سود یا ضرر رساندن به معامله‌گران ندارد، دنیای بی حد و مرزی که از هیچ قاعده و قانونی تبعیت نمی‌کند. پس در این دنیای پر رمز و راز و پر ریسک، باید با احتیاط قدم برداشت. لحظه‌ای غفلت ممکن است مساوی با از دست دادن کل سرمایه باشد.

پیشاپیش آگاهیم و می‌دانیم که مهم‌ترین ابزار ما برای معامله‌گری در بازارهای مالی، ذهن ماست. پس باید در دوران معامله‌گری خود همواره بکوشیم تا ذهن خود را که تنها ابزار موفقیت ما در این دنیای ناشناخته‌هاست، در بهترین حالت بازدهی نگه داریم.

این کتاب در بخش اول به شما کمک می‌کند تا با برخی از خطاهای رایج ذهن در معامله‌گری بیشتر آشنا شوید و در بخش دوم با مطالعه‌ی سرگذشت تعدادی از معامله‌گران، از تجارب آن‌ها بهره‌مند شوید.

برای یک معامله‌گر که معامله‌گری را شغل و حرفه‌ی خود می‌داند لازم است همواره دانش روانشناسی خود را در بازار ارتقا بدهد. به طور حتم این افزایش دانش در زندگی فرد نیز تأثیر خودش را خواهد گذاشت و او را به انسانی منضبط‌تر، خویشتن‌دارتر و صبورتر تبدیل خواهد کرد.

برای تمام خوانندگان این کتاب آرزوی سلامتی، شادی و ثروت روزافزون داریم.

مهسا سیدی - امید اسفندیاری

گروه آموزشی ATS

میلیون‌هایی که در بازار سهام از دست دادم، درس‌هایی به من داد که
میلیاردها می‌ارزید.



Trader98.com

فصل اول

چراغ‌های چشمک‌زن



آیا شما یک معامله‌گر جدید هستید و می‌خواهید به موفقیت‌های بزرگ در بازار سهام برسید؟

آیا شما مجذوب اعداد سبز و قرمز چشمک‌زن روی صفحه‌نمایش هستید و می‌خواهید بدانید چگونه کار می‌کنند؟

آیا داستان‌های شگفت‌انگیزی از برخی از سرمایه‌گذاران یا معامله‌گران افسانه‌ای شنیده‌اید که در بازار سهام کارهای بزرگی کرده‌اند و اکنون شما نیز می‌خواهید در همان مسیر قدم بردارید؟

آیا همیشه می‌خواستید بفهمید که نمودارهای تکنیکال چه چیزی را نشان می‌دهند و چگونه می‌توانید با استفاده از آن‌ها درآمد واقعی کسب کنید؟

این‌ها سوالاتی است که هر معامله‌گر تازه‌واردی در ذهن خود دارد و فقط می‌خواهد سریعاً وارد عرصه بورس شود. معامله‌گری پر از هیجان رسیدن به اوج است. با وجود این که اشتیاق و هیجان، سوخت لازم برای برآوردن هر خواسته‌ای است، اما ما باید قبل از پریدن به اقیانوس سهام، نسبت به برنامه‌ریزی کامل و انجام کارهای اساسی اقدام کنیم.

رایج‌ترین اشتباهی که مردم مرتکب می‌شوند، این است که ناآماده یا نیمه‌آماده وارد بازار می‌شوند. آن‌ها فقط مجذوب داستان‌های موفقیت بزرگ برخی از معامله‌گران و سرمایه‌گذاران افسانه‌ای شده‌اند و خود را به جای آن‌ها تصور می‌کنند. با این حال، در هر شغل یا حرفه‌ی دیگری، باید مقدار مشخصی از مطالعات مرسوم و سپس تحصیلات عالی و در نهایت چند جلسه کارآموزی یا تمرین را تکمیل کنیم تا بتوانیم وارد حرفه‌ای شویم که برای ما درآمد خوبی دارد. در حالی که در مورد بورس، ما فقط می‌توانیم یک حساب دمو باز کنیم و بلافاصله معامله را شروع کنیم و جالب اینجاست که ۵۰٪ شانس داریم که حق با ما باشد! سهام می‌توانند به سمت بالا یا پایین حرکت کنند؛ بنا بر این ما در همان اولین معامله خود، شانس درستی داریم و باور کنید چیزی به نام «شانس مبتدیان» وجود دارد و اغلب دیده می‌شود که اولین معامله‌ی ما با سود بسته می‌شود.

شاید خوب به نظر برسد؛ اما این در واقع بدترین چیزی است که می‌تواند برای یک معامله‌گر جدید مبتدی اتفاق بیفتد؛ زیرا به او این توهم را می‌دهد که کسب درآمد در بازار سهام بدون زحمت است. سودی که معامله‌گر در اولین تلاش خود به دست آورده او را وادار می‌کند که آن را با روزهای هفته، ماه و حتی کل سال ضرب کند و تصور نادرستی از میزان سود واقعی خود به دست آورد.

این یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود در وهله اول اشتباه شروع کنیم و وقتی طعم پول سریع را می‌چشیم، گیر می‌افتیم. پس از آن دیگر نگاهی به گذشته وجود ندارد و ما اغلب بدون هیچ برنامه‌ای معامله می‌کنیم تا زمانی که خیلی دیر متوجه اشتباه خود شویم.

شکی نیست که تنها ۱۰ درصد از معامله‌گران می‌توانند پول خود را زیاد کنند؛ زیرا برای موفقیت در معامله‌گری نیاز به فداکاری و تجربه‌ی زیادی است و دانش، اولین قدم از همه‌ی این‌ها است. تصمیم شما برای خرید و خواندن این کتاب، نشانه‌ی آن است که شما به بازار علاقه‌مند هستید و آماده هستید که کار کنید. به همین دلیل است که شما تصمیم گرفته‌اید به جای اینکه مانند دیگران سریع شروع به معامله کنید، در مورد آن مطالعه کنید؛ بنا بر این می‌خواهم ورود شما را به دنیای جذاب بازارهای مالی تبریک و خوش‌آمد بگویم.

بگذارید با بیان یک داستان هیجان‌انگیز شروع کنم. پسر جوانی بود که بسیار مشتاق بازار بود. بیایید او را راهول بنامیم. خانواده راهول به تجارت پارچه مشغول بودند و پس از اتمام تحصیلاتش مجبور شد به کسب و کار خانواده‌اش بپیوندد که در آن زمان عاقلانه‌ترین کار به نظر می‌رسید. پس از چند سال انجام این کار، با وجود اینکه پول خوبی به دست می‌آورد، اما واقعاً دلش با این کار نبود. او متوجه شد که پول درآوردن و نحوه به دست آوردن پول دو چیز متفاوت هستند. اگرچه او تجارت خانوادگی خود را به اوج جدیدی رسانده بود، اما از درون احساس پوچی می‌کرد و می‌خواست به دنبال کاری باشد که واقعاً دوست دارد آن را حتی به صورت رایگان انجام دهد! او زمانی که در دانشگاه بود در مورد بازار سهام از دوستانش شنیده بود، اما آن را جدی نمی‌گرفت؛ زیرا داستان‌های ویرانگر بسیاری از دوستان و اقوام پدرش شنیده بود که مبلغ زیادی را در بازارها از دست

داده بودند. او بعد از آن دیگر به بازار سهام فکر نکرد تا اینکه با مردی آشنا شد که از طریق معاملات تمام وقت امرار معاش می‌کرد. او بسیار هیجان‌زده شد و می‌خواست در مورد معامله‌گری بیاموزد. معامله‌گر به او گفت که به همان اندازه که بسیاری از مردم ضرر می‌کنند، مشخص است که چند نفر تمام پول را به صورت سود از بازار می‌برند؛ بنا بر این باید در کوتاه‌مدت تعادلی در بازار وجود داشته باشد. او آن قدر مشتاق یادگرفتن شغل معامله‌گری بود که از آن معامله‌گر درخواست کرد تا همه چیز را در مورد بازار به او بیاموزد. معامله‌گر درخواست او را پذیرفت و روز بعد او را به خانه‌اش فراخواند. هنگامی که او به آنجا رفت، متوجه شد که با وجود اینکه او چند معامله‌ی باز دارد، به صفحه نمایش نچسبیده و هرچند وقت یک‌بار به قیمت‌ها نگاه می‌کند. او آسوده نگاه می‌کرد و به خاطر چراغ‌های قرمز و سبزی که مدام در مقابلش سوسو می‌زدند، نگران نبود. برای راهول، دفتر و سیستم معاملاتی عشق در نگاه اول بود.

راهول با تپش قلب می‌دانست که این کاری است که تا آخر عمر انجام خواهد داد. او قبلاً در کسب و کار خانوادگی خود پول در می‌آورد، اما از روشی که آن را دوست نداشت. او باید به معنای واقعی کلمه برای پول خود از مشتریانی که کالا را به صورت اعتباری می‌گرفتند، التماس می‌کرد. او از رفتار غیرحرفه‌ای که در انواع مشاغل حاکم است، ناامید بود.

از سوی دیگر، بازار سهام می‌توانست به او این امتیاز را بدهد که از هر کجای دنیا و بدون صحبت با کسی معامله کند. بدون گدایی، بدون بدهی‌های بد، بدون موجودی راکد، بدون مشکل تسویه و بدون مسائل دیگر، تنها چند مورد از چیزهایی بود که او شیفته آن‌ها بود و بازار سهام این خدمات را به او ارائه می‌کرد. بنا بر این آن معامله‌گر همه چیز را در مورد بازار به راهول آموخت. چگونگی بالا

و پایین رفتن قیمت‌ها و اینکه چگونه تحت تأثیر تیک تیک همیشه متحرک قیمت قرار نگیرد و به تصویر بزرگ‌تر نگاه کند. سپس، او شروع به آموزش اصول اولیه‌ی تحلیل تکنیکال از ابتدا به او کرد، مانند اصول اولیه کندل استیک‌ها تا شاخص‌ها و استراتژی‌های پیشرفته.

راهول به توصیه او عمل کرد و به خانه برگشت و تکالیف خود را با فداکاری کامل انجام داد و حتی به کتاب‌های بورس علاقه‌مند شد و ویدیوهای زیادی را به صورت آنلاین تماشا کرد. او از اعماق درونش می‌دانست که عشق قدیمی خود را پیدا کرده است و می‌تواند تا آخر عمر این کار را انجام دهد؛ بنا بر این در آن ماه چند بار دیگر به خانه‌ی آن معامله‌گر رفت و تمام اطلاعاتی را که ممکن بود یاد گرفت.

همه افراد، دانش خود را آزادانه به اشتراک نمی‌گذارند، او از معامله‌گر که تابه حال مربی او شده بود و روزانه چیزهای جدید زیادی به او یاد می‌داد، سپاسگزار بود. پس به محض اینکه راهول فکر کرد که تمام دانشی که برای معامله‌گری حرفه‌ای لازم هست را دارد، اولین معامله خود را با پیروی از یکی از استراتژی‌هایی که از مربی خود آموخته بود، انجام داد و درست حدس زدید، سود خوبی از آن به دست آورد.

او احساس رضایت می‌کرد که تلاش‌هایش حالا برای ارائه نتایج آماده شده است. او مقدار کمی سرمایه‌گذاری کرده بود؛ زیرا تازه وارد بازار شده بود و می‌خواست قبل از اینکه با تمام سرمایه‌اش وارد بازار شود نتیجه آن را احساس کند. تقریباً هر معامله‌ای که انجام می‌داد برایش درآمدزایی می‌کرد و او در آسمان‌ها بود. او باور نمی‌کرد که کسب درآمد در بازارها به این راحتی است و حتی به اعضای خانواده خود پیشنهاد داد که همه آن‌ها نیز در بورس معامله کنند.

چیزی که او متوجه نشد این بود که وارد یک بازار گاوی سر به فلک کشیده شده بود و دوران رؤیایی اش نزدیک بود به پایان برسد. پس از کسب چند سود کوچک، او تصمیم گرفت سرمایه‌ی خود را افزایش دهد و شروع به کسب درآمد مناسب کند و به طور کلی تجارت خانوادگی خود را ترک کند.

به محض اینکه او در یک حساب بسیار بزرگ‌تر معامله کرد، از دست دادن پول آغاز شد؛ زیرا از نظر ذهنی برای مدیریت یک حساب بزرگ‌تر آماده نبود. او در یک معامله گیر کرد و به جای اینکه آن را با یک ضرر کوچک رها کند، شروع به میانگین‌گیری کرد؛ زیرا تا آن زمان فقط شاهد افزایش سرمایه‌ی خود بود و معتقد بود که این بار نیز همین اتفاق خواهد افتاد.

او در هر سقوط بزرگ به میانگین‌گیری ادامه می‌داد و نفسش به او اجازه نمی‌داد ضرر را تحمل کند؛ بنا بر این در نهایت مجبور شد ضرر بسیار بزرگ‌تری را متحمل شود. او ناامید بود و نمی‌توانست باور کند که بیشتر پولی که هنگام معامله در حساب کوچکش به دست آورده بود، در همین معامله از دست داده است. او از درون احساس ناامیدی می‌کرد و احساس می‌کرد که بازار سهام چیزی را از شخص او گرفته است.

می‌خواست پولش را پس بگیرد و سریع هم می‌خواست پولش را پس بگیرد! او در تلاش برای جبران ضرر قبلی خود پول بیشتری از دست داد. او نمی‌توانست باور کند که همان مطالعه‌ای که قبلاً برای او پول درآورده بود، اکنون به او خیانت کرده است. با این حال، او آن قدر زیرک بود که به زودی متوجه شد که مقصر آموزش‌های او نبوده، بلکه احساسات خودش بوده است.

هر چه بیشتر تلاش می‌کرد تا ضررهایش را جبران کند، بیشتر ضرر می‌کرد. او سعی می‌کرد در هر معامله پول بیشتری به دست بیاورد؛ زیرا به شدت می‌خواست

پولی که به‌سختی به دست آورده بود را پس بگیرد. قبل از اینکه متوجه شود، در یک دور باطل افتاد و در نهایت بیشتر حساب خود را از دست داد. این یک شوک برای او بود و او به خودش قول داد که ضررهایش را جبران کند اما این بار عجله نخواهد کرد و برنامه‌ای را تنظیم می‌کند و حتی معاملات قبلی خود را مطالعه می‌کند تا بفهمد چه مشکلی پیش آمده است.

چند ماهی را استراحت کرد و به میز مطالعه‌اش برگشت و هرروز ساعت‌ها به مطالعه‌ی اشتباهاتش می‌پرداخت. او به جنبه‌های دیگر معامله‌گری، مانند اندازه موقعیت، مدیریت ریسک و در نهایت، روانشناسی یک معامله‌گر موفق علاقه‌مند شد. او کتاب‌های زیادی در زمینه‌ی روانشناسی و طرز فکر خواند و پس از چند ماه دوباره شروع به معامله کرد، این بار به خوبی آماده شد. او به تدریج اندازه‌ی معاملات خود را افزایش داد، رویکرد معاملاتی خود را اصلاح کرد و در نهایت آن را بزرگ کرد و هنوز هم برای امرارمعاش و لذت بردن از زندگی خود معامله می‌کند! سورپرایز! این در واقع داستان من است - راهول فقط یک نام مستعار بود که من استفاده کردم.

همه ما می‌خواهیم از سبک زندگی‌ای که یک معامله‌گر از آن لذت می‌برد لذت ببریم. معامله‌گر مجبور نیست به هیچ رئیسی گزارش دهد او رئیس خودش است. او به هیچ جدول زمانی مقید نیست و می‌تواند در اختیار خود کار کند. او مجبور نیست روزانه به دفتر خود برود و می‌تواند از اتاق خواب یا عملاً از هر جای دنیا کار کند. هزاران مزیت از یک معامله‌گر و سرمایه‌گذار تمام‌وقت وجود دارد، اما برای برتری در آن، مانند هر تجارت دیگری، نیاز به تمرین و مطالعه دارد.

در فصل‌های بعدی، فاکتورهای مهمی را که باید رعایت شود، توضیح خواهم داد و امیدوارم همان طور که در مسیر به من کمک کردند، در سفر معامله‌گری‌تان به شما هم کمک کنند.

بازار سهام ممنونم از تو، برای چیزهای زیادی که در مورد خودم به من
آموختی.
من هرگز نمی دانستم که این گونه می شود!



Trader98.com

فصل دوم

ابتدا خودتان را بشناسید



از جریان راهول در فصل قبل، می‌توان متوجه شد که راهول هر کاری که می‌توانست انجام داد تا در مورد بازارها و نحوه عملکرد آن‌ها بیاموزد، اما او هرگز سعی نکرد بداند که «او» یا «ذهن او» چگونه کار می‌کند. این موضوع در بازار بسیار مسئله مهم‌تری است. اگر فقط مطالعه جنبه‌های تکنیکال یا فاندامنتال بازارها کافی بود، همه CA^۱ ها و CMT^۲ ها در بازار موفق بودند؛ اما می‌دانیم که این‌طور

۱ CA: CHARTERED ACCOUNTANT یک نام حسابداری تخصصی بین‌المللی است که به متخصصان حسابداری در بسیاری از کشورهای جهان به‌غیر از ایالات متحده اعطا می‌شود، در ایالات متحده به آن CPA: CRETIFIED PUBLIC ACCOUNTANT

۲ CMT** :A CHARTERED MARKET TECHNICIAN تحلیلگر تخصصی بازار. موسسه‌ای با نام CMT (MTA سابق) با ۵۰ سال سابقه‌ی فعالیت در بازارهای مالی وجود دارد که به تحلیل‌گران حرفه‌ای مدرک CMT می‌دهد.

نیست.

دانستن این موارد در بازار امری ضروری است:

- چگونه فکر می‌کنیم؟

- چگونه اطلاعات را پردازش می‌کنیم؟

- چگونه به ضرر واکنش نشان می‌دهیم؟

- چگونه به سود واکنش نشان می‌دهیم؟

- چه مقدار از نفس خود را تحت کنترل داریم؟

- چقدر راحت در مورد چیزی هیجان زده می‌شویم؟

فکر کردن به همه‌ی این جنبه‌ها و مهم‌تر از همه، فکر کردن به فرآیندهای فکری خود بسیار ضروری است. روانشناسی نقش مهمی در موفقیت یا شکست یک معامله‌گر دارد. ما می‌توانیم در عرض چند روز در مورد بخش تکنیکال یا فاندامنتال بازارها بیاموزیم، اما می‌تواند یک عمر طول بکشد تا بفهمیم ذهن ما چگونه کار می‌کند.

ذهن ما ماشینی قدرتمند است. بسته به اینکه چگونه از آن استفاده کنیم، می‌تواند با ما یا علیه ما کار کند. بیایید ببینیم که چرا به این مدلی که فکر می‌کنیم، فکر و رفتار می‌کنیم. ما تنها زمانی می‌توانیم روی خودمان کار کنیم که بدانیم ذهن و فرآیند فکر ما چگونه کار می‌کند یا چه چیزی به تفکرات ما «سوخت» می‌دهد.

همان‌طور که تقریباً در تمام متون دینی بیان شده است، ذهن ما به طور کلی تحت تأثیر دشمنان (عوامل مزاحمی که در پایین ذکر می‌شود) است و ما باید با آن‌ها بجنگیم تا کنترل خود را به دست آوریم. این‌ها در همه جنبه‌های زندگی ما وجود دارند و هدف نهایی زندگی ما این است که بر آن‌ها پیروز شویم و در طول

زندگی خود را محدود به آن‌ها نکنیم.

این دشمنان عبارت‌اند از: خشم، طمع، دل‌بستگی و نفس (ایگو) برای پیشرفت در زندگی، واقعاً باید مسئولیت زندگی خود را بر عهده بگیریم و مطمئن شویم که تحت تأثیر هر عاملی قرار نخواهیم گرفت. به عنوان مثال، در بازارها، اگر خشم یا عصبانیت را تجربه کنیم، ممکن است پس از ضرر (هم به دلیل ضرر پیش‌آمده و هم به دلیل احساساتی که داشتیم) احساس ناامیدی کنیم، حتی اگر بدانیم که این بخشی از فرآیند معامله‌گری است و همیشه وجود خواهد داشت.

وظیفه ما این است که اطمینان حاصل کنیم که زیان‌های خود را کنترل می‌کنیم و مقداری که مایل به از دست دادن هستیم باید از قبل تعیین شده باشد تا آن مقدار ضرر، زمانی که در یک معامله هستیم بر اساس احساساتمان محاسبه نشود. پس از ضرر، این احساس خشم معمولاً باعث می‌شود به محض شروع معامله بعدی، ناگهان معامله قبلی خود را بیش از حد مهم نشان دهد. ما از روی انتقام معامله می‌کنیم و می‌خواهیم در اسرع وقت زیان خود را جبران کنیم که ممکن است منجر به ضرر بیشتر شود؛ زیرا ممکن است معاملات غیرمنطقی داشته باشیم.

معامله بعدی ممکن است بر اساس تکنیکال یا نسبت ریسک به ریوارد محاسبه نشود، بلکه فقط برای جبران ضرر قبلی باشد. در بیشتر موارد، ما آن قدر از پس گرفتن پول خود ناامید هستیم که در نهایت مقدار بیشتری از آن را از دست می‌دهیم. من بسیاری از معامله‌گران را دیده‌ام که چنان عصبانی و ناامید شده‌اند که سعی می‌کنند در همان روز ضرر خود را جبران کنند، انگار که بازار روز بعد باز نمی‌شود.

من حتی افرادی را دیده‌ام که اصرار دارند که در همان سهمی که ضرر کرده‌اند معامله کنند انگار سهام حافظه دارد و می‌داند که مقداری پول از جیب شما برداشته است و اکنون موظف است آن را به شما پس دهد. تنها در صورتی می‌توانیم از وارد شدن به چنین موقعیتی اجتناب کنیم که یاد بگیریم خودمان را ببخشیم و بفهمیم که این یک بازی احتمالات است و لازم نیست هر بار سود کنیم، بیشتر تصمیمات درست بگیریم و کمتر اشتباه کنیم؛ بنا بر این کنترل خشم ضروری است.

مورد بعدی که ما در مورد آن بحث خواهیم کرد طمع است. طمع یکی از مهم‌ترین دشمنان است و اگر ندانیم چگونه روی آن کنترل داشته باشیم، ممکن است هرگز در معاملاتمان موفق نباشیم. باز هم تأکید می‌کنم تکنیکال یا فاندامنتال ضروری هستند، اما اگر عامل طمع خود را تحت کنترل نداشته باشیم، اهمیتی ندارند.

اگر متوجه این موضوع شویم که معامله عمدتاً به این بستگی دارد که چقدر از حرص و طمع خود را کنترل می‌کنیم وقتی سود به دست می‌آوریم، حرص می‌خوریم و سعی می‌کنیم به محض دیدن آن روی صفحه، آن را ببندیم، اما متوجه می‌شویم که اگر آن را به اندازه کافی نگه می‌داشتیم، سود بیشتری می‌بردیم.

این حرص و طمع به روش‌های دیگری نیز کار می‌کند. به عنوان مثال، زمانی که در ضرر هستیم، حرص و آز ما را وادار می‌کند که آن را نگه داریم، به این امید که سرانجام روزی در آینده آن را جبران کنیم. متأسفانه، در بیشتر موارد، قبل از اینکه متوجه اشتباه خود شویم و معامله را با ضرر کمی ببندیم، ضرر بیشتر و بیشتر می‌شود.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که طمع یکی از مهم‌ترین عواملی است که اگر واقعاً نیاز به موفقیت در بازارهای مالی داریم، باید بدانیم چگونه آن را کنترل کنیم. من همیشه به دوستانم می‌گویم که ما باید به جای حسرت خوردن برای سود اضافی که می‌توانستیم به دست آوریم، برای سودی که کسب کردیم خوشحال باشیم. هر اتفاقی بیفتد به نفع ماست.

یک راهکار ساده که من برای کنترل حرص و طمع خود از آن استفاده می‌کنم این است که به محض اینکه سهمی را خریدم، آن را از واچ لیست خود حذف می‌کنم؛ زیرا دیگر بارها در همان روز نگاه کردن به آن فایده‌ای ندارد؛ زیرا این سهم یا بالا یا پایین می‌رود. اگر بالا برود ما شروع به پشیمانی می‌کنیم که چرا بیشتر نخریدیم. یا اگر کاهش یابد، ممکن است وسوسه شویم که دوباره خرید کنیم تا حرکتی را که به تازگی انجام دادیم تکرار کنیم؛ اما این بار، ممکن است پایین بیاید و ممکن است حمایت نشود. ممکن است در نهایت سود قبلی و حتی بخشی از سرمایه خود را از دست بدهیم.

جنبه بعدی دل‌بستگی است. وقتی درباره یک شرکت زیاد مطالعه می‌کنیم، گاهی اوقات وارد جزئیات بسیار ریزی شده و زیاد به شرکت دل‌بسته می‌شویم. ما آن قدر وابسته و دل‌بسته‌ی آن سهام می‌شویم که هرگز به خروج از آن فکر نمی‌کنیم حتی اگر کار به استاپ لاس ما برسد. مطالعه کامل هر شرکت یا هر موضوعی چیز خوبی است. لطفاً در اینجا منظور من را اشتباه متوجه نشوید، اما آنچه من می‌گویم این است که ما باید نسبت به سرمایه‌گذاری‌های خود دید باز داشته باشیم و به آن‌ها وابسته نشویم.

اشتباهی که در سال‌های ابتدایی مرتکب می‌شدم این بود که همیشه طبق تکنیکال یا طبق نمودار وارد می‌شدم، اما وقتی سهام به حد ضرر من نزدیک

می‌شد، به فاندمنتال آن شرکت رجوع می‌کردم، فقط برای اینکه به خودم اطمینان دهم که شرکت سالم است و باید روزی بازگردد.

این اشتباه بود چون وقتی وارد شدم، برنامه‌ای برای خروج با قیمت مشخصی گذاشته بودم و وقتی سهام به آن قیمت رسید، نباید از برنامه منحرف شوم. من می‌دانم که برخی از سهام می‌توانند دوباره به قیمت قبلی خود بازگردند، اما صدها نمونه از سهام وجود دارد که تبدیل به سهام پنی^۱ شده‌اند یا حتی از فهرست خارج شده‌اند. من افرادی را دیده‌ام که کل سرمایه خود را از دست داده‌اند؛ زیرا آن قدر به یک شرکت وابسته شده‌اند که کل سرمایه خود را روی آن سهام خاص شرط‌بندی کرده و در هر افت قابل توجهی میانگین آن را حفظ می‌کنند.

متون دینی ما همیشه به ما توصیه کرده‌اند که تا حد امکان از بسیاری چیزها دور باشیم. به همین دلیل است که عده‌ای برای انجام مدیتیشن به کوه‌های هیمالیا می‌رفتند و به نوعی خود را از زندگی پرمشغله و دارایی‌های دنیوی جدا می‌کردند.

موضوع بعدی «ایگو» یا نفس است. همه‌ی ما می‌دانیم که نه تنها در بازارهای مالی، بلکه پیروی نفس برای هر نوع تجارت و حتی برای زندگی ما واقعاً خطرناک است. گفته می‌شود که در جنگ نفس‌ها، بازنده همیشه برنده است؛ بنا بر این، هر چه دانش ما در مورد یک موضوع بیشتر باشد، منیت کمتری باید داشته باشیم. بازار مکانی عالی است که در آن مردم معمولاً با منیت‌های متورم شروع می‌کنند. هنگامی که چرخه‌های فراز و نشیب را می‌بینند - و اکثر معامله‌گران و سرمایه‌گذاران حداقل یک بار سرمایه خود را حتی قبل از اینکه از بازار مطلع شوند،

۱. سهام با قیمت خیلی پایین

منفجر کرده‌اند - تمایل به از دست دادن نفس خود دارند و متوجه می‌شوند که بازار سهام یک اقیانوس است و ما فقط یک قطره کوچک هستیم.

بیاید به سرمایه‌گذاران فوق‌العاده موفقی مانند وارن بافت، چارلی مانگر، پیتر لینچ، رامدیو آگراوال، راداکیشان دامانی و غیره نگاه کنیم. ما متوجه می‌شویم که این افراد بسیار فروتن و خاکی هستند. من این افتخار را داشتم که شخصاً با چند نفر از این نام‌های بزرگ آشنا شوم و از فروتنی و ماهیت نرم و لطیف آن‌ها شگفت‌زده شدم. یک دلیل می‌تواند این باشد که تقریباً همه‌ی آن‌ها از پس‌زمینه‌های بسیار فروتنی آمده‌اند و چیزهای زیادی از بازارها یاد گرفته‌اند که هرگز اجازه نمی‌دهند که نفس مزاحم کار آن‌ها شود.

بنا بر این داشتن نظم و حوصله برای کنترل همه این احساسات برای برتری در بازار سهام یا هر حرفه دیگری ضروری است.



Trader98.com

یک معامله‌گر باید خیلی سخت کار کند تا برای معاملات آماده شود، اما خود معامله واقعی باید بدون دردسر باشد.



Trader98.com

فصل سوم

آیا ما یک ذهنیت معامله گر حرفه ای داریم؟



آیا ذهنیت ما ذهنیت یک معامله گر است؟

وقتی وارد بازار می شویم، این چشم انداز را داریم که یک شبه ثروتمند خواهیم شد و در بازارها خون و خون ریزی راه می اندازیم. ما فرض می کنیم که در بازار سهام، درآمدزایی کاری بی دردسر است و از روز اول بدون کسب دانش شروع به معامله می کنیم. هنگامی که با واقعیت روبرو شدیم و احتمالاً بعد از چند ضرر، متوجه می شویم که باید در مورد این موضوع بیشتر بیاموزیم. سپس شروع به یادگیری در مورد اصول تکنیکال یا فاندامنتال می کنیم؛ زیرا آن ها مهم ترین جنبه های بازار هستند؛ اما فراموش می کنیم که ذهن ما ابزاری است که هر مطالعه را مورد استفاده قرار می دهد و توجه به آن در ابتدای راه بسیار مهم است. من می دانم که درک

بخش تکنیکال از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا اصول اولیه خواندن نمودار را تشکیل می‌دهد؛ بنا بر این همه باید قبل از شروع سفر به معامله‌گری موفق با این اصول اولیه آشنا شوند. با این حال، باید به ذهنیت معامله‌گر اهمیت بیشتری داده شود؛ زیرا ذهن تصمیم می‌گیرد که یک معامله‌گر چگونه معاملات را انجام و مدیریت کند. ما می‌توانیم با پیروی از رویکرد سنتی که برای یادگیری هر چیز دیگری در این جهان استفاده می‌کنیم، در مورد جنبه‌های تکنیکال معامله‌گری بیاموزیم؛ خواندن کتاب یا راهنمایی معلم یا مربیان. آنچه واقعاً دشوار می‌باشد، درک ذهنیت است؛ زیرا ما از چگونگی انجام آن آگاه نیستیم و هرگز در مدرسه یا کالج خود در مورد آن آموزش نمی‌بینیم. درک ماهیت و کارکرد ذهن، سفری بسیار طولانی و پرهزمت است، اما این چیزی است که اصل دشواری معامله‌گری در مورد آن است. موضوع در مورد لذت بردن از سفر است و بیشتر معامله‌گران واقعاً علاقه‌مند هستند و از این سفر لذت می‌برند. آن‌ها متوجه شده‌اند که پول محصول جانبی معامله خوب است. تسلط بر ذهن آسان نیست، اما گزینه دیگری وجود ندارد. ما باید بدانیم که چگونه از آن به نحو احسن استفاده کنیم تا ذهن برای ما کار کند و نه در برابر ما. برای انجام این کار، می‌توانیم این مراحل آسان را دنبال کنیم.

۱. قبل از معامله، طرح معاملاتی خود را بنویسید. این ممکن است مانند یک کار بسیار معمول و مرسوم به نظر برسد، اما بیشتر ما این قسمت را نادیده می‌گیریم. نوشتن برنامه برای ما قبل از معامله ضروری است. هنگامی که ما یک برنامه نوشته شده بر روی کاغذ، با نقاط ورود، خروج، حجم پوزیشن و دلیل ورود و از همه مهم‌تر خروج داریم، به معنای واقعی کلمه اضطراب خود را از مغز خود به یک برنامه ساختاری منتقل می‌کنیم. قدم بعدی فقط نشستن و اجرای برنامه است. من مشاهده کرده‌ام که یک «طرح کتبی»، از بیشتر مشکلاتی که ممکن است پس

از معامله یا هنگام معامله ایجاد کنیم، مراقبت می‌کنند.

۲. اطلاعات بیش از حد... در اوایل دنیای معامله‌گری، اطلاعات بسیار کمی در دسترس بود. مردم همیشه سعی می‌کردند اطلاعاتی را در مورد شرکتی که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند یا در مورد قیمت سهام یک شرکت خاص، پیدا کنند تا بتوانند با اتکا بر آن‌ها معاملات خود را انجام دهند. مردم با مراجعه به دفتر کارگزار یا روزنامه‌ها قیمت سهام را دریافت می‌کردند؛ اما متأسفانه، بیشتر معامله‌گران این امتیاز را نداشتند که قیمت‌های واقعی را دریافت کنند. این روزها، از طرف دیگر، باینکه اطلاعات به‌وفور در دسترس است، اما ما در تصمیم‌بین تشخیص دادن این‌که چه چیزی مهم است و چه چیزی مهم نیست دچار اشتباه می‌شویم. در نتیجه، ما تمایل داریم که همیشه در جریان همه اطلاعات باشیم که این موضوع باعث می‌شود واقعاً احساس گیجی کنیم و از برنامه خود منحرف شویم. این روزها با وجود تمام کانال‌های موجودی که ۲۴ ساعت در روز و ۷ روز در هفته به‌طور تمام وقت در حال ارائه توصیه‌های رایگان سهام و معامله‌گری به ما هستند و تحلیلگرانی که نظرات خود را در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، عاقل و آرام ماندن کار سخت و چالش‌برانگیزی است.

چند گامی که من در این راستا برداشته‌ام و دیده‌ام که بسیاری از دوستان معامله‌گر من نیز این گام‌ها را تمرین می‌کنند، این است که ما به‌هیچ‌وجه به کانال‌های خبری و بیزنسی نگاه نمی‌کنیم و در ساعات بازار وارد رسانه‌های اجتماعی نمی‌شویم. بیشتر افرادی که من دنبال می‌کنم دوستان من هستند و آن‌ها پیشنهاد‌های سهام را ارائه نمی‌دهند. این به من کمک می‌کند تا صرف‌نظر از جهان موجود در رسانه‌های اجتماعی، فقط روی مطالعه و معامله خود تمرکز کنم. به‌راحتی می‌توان گفت که ما با عقاید و نظرات دیگران از تفکرات خود

منحرف نمی‌شویم؛ اما با این حال، هنگامی که دیدگاه مخالف کسی در مورد معامله ما در ذهن ما باشد، اگر این سهام خاص علیه ما شروع به حرکت کند، نگران خواهیم شد. ممکن است شروع به فکر کردن کنیم، «اگر آن مرد خیلی بیشتر از من بداند چه؟» «آیا من واقعاً با ورود به این معامله تصمیم خوبی گرفتم؟»

۳. این یک بازی احتمالات است - معامله‌گری یک بازی از احتمالات است و من همیشه گفته‌ام که هر وقت ضرر می‌کنیم، نباید آن را به قلب خود ببریم و اگر سود کسب کنیم، نباید آن را به ذهن خود ببریم!

متأسفانه، هر دو این موقعیت‌ها بر ذهن ما تأثیر منفی خواهند گذاشت و ما خواه‌ناخواه با گذشت زمان، تصمیمات غیرمنطقی می‌گیریم. همه ما می‌دانیم که نباید با پیروی از نفس معامله کنیم، اما درعین حال، اگر ضرر کنیم، نباید احساس بدی کنیم یا خودمان را مجازات کنیم یا به توانایی‌های خود شک کنیم. هدف باید این باشد که معامله‌ی خوبی انجام شود و زیاد به پاداش پولی فکر نکنیم. نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که باید به خاطر داشته باشیم که معامله‌ای که انجام می‌دهیم فقط یکی از هزاران معامله بعدی است که می‌خواهیم انجام دهیم. ما نباید آن قدر از نظر عاطفی به آن وابسته شویم که اگر طبق برنامه پیش نرود، خواب خود را از دست دهیم. با به حداقل رساندن اهمیت یک معامله خاص، ما واقعاً می‌توانیم با سهولت معامله کنیم و تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تری را در شرایط بهتری انجام دهیم. تقریباً همه معامله‌گران حرفه‌ای از این تکنیک‌ها استفاده می‌کنند تا یک قدم جلوتر از سایرین بمانند. با این حال با سال‌ها تجربه، آن‌ها اهمیت کنترل ذهن را درک می‌کنند و به معامله‌گری به عنوان یک حرفه جدی نگاه می‌کنند که قرار است با یک برنامه مناسب و نه فقط با یک رویکرد بزن دررو انجام شود.

فصل سوم: آیا ما یک ذهنیت معامله‌گر حرفه‌ای داریم؟ | ۳۷

اگر نتوانیم ۱۰,۰۰۰ را به ۲۰,۰۰۰ تبدیل کنیم، نباید سعی کنیم ۱,۰۰۰,۰۰۰ به ۲,۰۰۰,۰۰۰ تبدیل کنیم



Trader98.com

فصل چهارم

سه میمون



Trader98.com

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا هزاران یا شاید میلیون‌ها معامله‌گر وجود دارند که هرگز سودآور نبوده‌اند اما همچنان به معامله ادامه می‌دهند؟ آن‌ها باید سال‌ها پیش اعتراف می‌کردند که در رویکردشان نسبت به بازارها اشکالی وجود دارد و به همین دلیل است که حتی پس از گذشت این همه مدت، هنوز نمی‌توانند سود ثابتی از بازار داشته باشند.

اما به جای تلاش در جهت تغییر، اغلب با شدت بیشتری (انتقام جویانه) معامله می‌کنند، پول بیشتری از دست می‌دهند و این چرخه ادامه می‌یابد. به همین دلیل در واقع این موضوع ارتباط زیادی با سیم‌کشی مغز ما دارد.

آزمایشی با سه میمون انجام شد. قرار بود هر سه‌ی آن‌ها یک کار یکسان را

انجام دهند. با اینکه این کار برای هر ۳ میمون مشابه بود، اما به طور نابرابر پاداش دریافت می‌کردند.

به میمون اول دستور انجام کار داده شد و به محض انجام کار به او جایزه دادند. او دوباره کار را انجام داد و دوباره جایزه گرفت. او اکنون می‌دانست که هر بار که کار را تمام کند، پاداشی دریافت می‌کند؛ بنا بر این به انجام آن ادامه داد تا اینکه خسته شد و تصمیم گرفت مدتی صبر کند.

به میمون دوم نیز دستور داده شد که همین کار را انجام دهد، اما این یکی هیچ پاداشی دریافت نکرد. او گیج شد و دوباره کار را انجام داد؛ زیرا انتظار داشت پاداشی مشابه میمون اول داده شود؛ اما باز هم پاداشی داده نشد. او به زودی متوجه شد که هر کاری که انجام می‌دهد بیهوده است؛ بنا بر این بلافاصله متوقف شد و هیچ علاقه‌ای به کار نشان نداد، حتی زمانی که مریبان به او گفتند که دوباره آن را انجام دهد او انگیزه‌ای برای این کار نداشت. مریبان سعی کردند او را مجبور کنند کار را انجام دهد، اما او همچنان آن را انجام نمی‌داد؛ زیرا می‌دانست که هیچ پاداشی به این کار تعلق ندارد.

به میمون سوم به طرز متفاوتی پاداش می‌دادند می‌داد. او «به طور تصادفی» جایزه می‌گرفت؛ یعنی در برخی موارد تصادفی به او پاداش داده شد. مثلاً در تلاش‌های اول، سوم پنجم، ششم و نهم پاداش گرفت.

جایزه می‌گرفت اما در فواصل نامشخص؛ بنا بر این از آنجایی که میمون نمی‌دانست پاداش کی می‌آید، هر بار به انجام کار ادامه می‌داد. او به این کار ادامه داد؛ زیرا «امید داشت» که قطعاً زمانی پاداش را دریافت می‌کند.

این سیستم پاداش نامطمئن او را وادار کرد که هر بار این کار را انجام دهد تا اینکه او نیز مانند میمون اول خسته شد، اما او در مقایسه با میمون اول پاداش

بسیار کمی دریافت کرد.

حتماً تا این جای داستان، ارتباط این سبک دریافت پاداش را با معاملات خود یافته‌اید. در معاملات نیز، از آنجایی که یک بازی احتمالات است، در فواصل نامشخص پاداش دریافت می‌کنیم. گاهی اوقات ممکن است یک توالی برد یا باخت داشته باشیم، اما معاملات ما معمولاً سر از شک و تردید در می‌آورند.

در روزهای ابتدایی معاملات، زمانی که سود خوبی به دست می‌آوریم، در نهایت به این فکر می‌کنیم که شاید این وضعیت برای همیشه ادامه داشته باشد و وقتی این طور نیست، به امید نتایج خوب به معامله ادامه می‌دهیم. نتایج بد ممکن است دوباره رخ دهند و ممکن است مدام تکرار شوند، اما امید رسیدن به نتایج خوب باعث می‌شود که ما بارها و بارها معامله کنیم، حتی اگر چند سود اولیه را فقط از روی شانس به دست آورده باشیم. بازار به گونه‌ای ساخته شده است که می‌دانیم نمی‌توانیم از هر معامله‌ای سود ببریم، اما همچنان انتظار داریم از هر معامله‌ای که در سیستم ترید خود انجام می‌دهیم سود ببریم؛ بنا بر این ما امیدواریم و در مورد هر معامله‌ای که انجام می‌دهیم، هیجان زده می‌شویم.

این همچنین با هورمونی به نام «دوپامین» مرتبط است. دوپامین هورمون احساس خوب است و مغز ما واقعاً عاشق دوپامین است؛ بنا بر این، هر زمان که میمون‌ها جایزه را می‌گرفتند، یا در مورد ما، هر زمان که ما سود می‌کنیم، این هورمون بیش از حد در بدن ما ترشح می‌شود و مغز ما می‌گوید که هر اتفاقی که افتاده را دوست داشته و بیشتر از آن می‌خواهد. این ولع و حرص برای دریافت بیشتر این هورمون ما را به سمت تکرار عمل سوق می‌دهد، حتی اگر پاداش به طور تصادفی دریافت شده باشد.

این یکی از دلایلی است که معامله‌گرانی که کل حساب معاملاتی خود را از

دست می‌دهند، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. آن‌ها حتی تا حدی پیش می‌روند که از دوستان و اقوام برای معامله کردن، پول قرض می‌گیرند. در نهایت، آن‌ها چنان به پاداش تصادفی معتاد می‌شوند که نمی‌توانند آن را رها کنند. معامله‌گری آن قدر برای آن‌ها اعتیادآور می‌شود که حتی گاهی اوقات پول قرض گرفته شده را از دست می‌دهند و سپس دچار افسردگی می‌شوند.

بنا بر این ضروری است که با استفاده از برخی از ترفندهایی که سعی کردم در این کتاب توضیح دهم، بدانیم چرا ما بیش از حد معامله می‌کنیم و چگونه می‌توان بر آن غلبه کرد.



Trader98.com

سودهای متوالی ما را حریص می‌کنند و ضررهای متوالی ما را می‌ترسانند.
استراحتی کوچک بعد از هر سود یا ضرر کمک زیادی به ما می‌کند.



Trader98.com

فصل پنچ

سه فروشنده



بعد از داستان سه میمون، بگذارید یک داستان دیگر برای شما تعریف کنم. صاحب مغازه‌ای بود که سه فروشنده داشت. فروشنده اول بسیار مطیع بود، با همه مشتریان بسیار مؤدبانه صحبت می‌کرد. او به خواسته‌های مشتریان رسیدگی می‌کرد و برای صاحب مغازه نیز بسیار عزیز بود. او شخصیتی جذاب داشت و در چانه‌زنی نیز عالی بود و هرگز اجازه نداد که هیچ‌یک از مشتریان دست خالی از مغازه بیرون بروند. همه او را دوست داشتند و ثابت کرده بود که یکی از بهترین فروشنده‌گانی است که صاحب مغازه تا به حال داشته است. از وقتی که او در مغازه مشغول به کار شد، صاحب مغازه به شدت از مغازه سود می‌برد و به خاطر وجود او سودهای کلانی کسب می‌کرد. فروشنده دوم، اما یک پسر معقول بود. او با

مشتریان مؤدبانه صحبت نمی‌کرد، اما بی‌احترامی هم نمی‌کرد. او فقط در مغازه بیکار می‌نشست. او نه بار اضافه و نه منبع سود برای مغازه بود. او فقط بیکار نشسته بود و سرش به کار خودش بود. مغازه‌دار او را اخراج نمی‌کرد؛ زیرا ممکن بود روزی تبدیل به فروشنده خوبی شود؛ و یک فروشنده سومی هم وجود داشت. او واقعاً با مشتریان بی‌ادب و همیشه عصبانی بود. او صبر بسیار کمی داشت و همیشه آماده بود تا با هر مشتری دعوا کند. مشتریان به معنای واقعی کلمه سعی می‌کردند از هرگونه تماس با او جلوگیری کنند؛ زیرا از خلق و خوی و نگرش وی اطلاع داشتند. مغازه‌دار نیز از رفتار او اذیت شد و می‌دانست که او فقط سربار مغازه است و هرگز برای مغازه مفید نبوده است. او هیچ سودی برای مغازه ایجاد نکرد و بسیاری از مشتریان را با نگرش و رفتار بی‌ادبانه خود دور کرد. همه به خاطر او ناراحت بودند؛ زیرا او یک جو بسیار منفی را در مغازه ایجاد کرده بود. او با همکاران، مشتریان و صاحب مغازه نیز بی‌رحمانه رفتار می‌کرد. یک روز به دلیل کاهش فروش، مغازه‌دار مجبور شد یکی از فروشندگان را اخراج کند؛ زیرا به معنای واقعی کلمه نمی‌توانست ۳ فروشنده را تحمل کند. فکر می‌کنید مغازه‌دار چه کاری را انجام داد؟ کدام فروشنده اخراج شد؟ سومین! درست است. من کاملاً مطمئن هستم که در این موردشکی نیست و این اتفاق افتاد و مغازه‌دار فروشنده سوم را اخراج کرد؛ زیرا بدیهی بود که او هیچ منفعتی برای مغازه ندارد و وجودش فقط برای همه آزار دهنده بود. مغازه‌دار به محض اینکه او را اخراج کرد، احساس آرامش کرد و با این کار پول هم پس‌انداز کرد. او دیگر لازم نبود نگران این باشد که اکنون کسی با مشتریان بی‌ادبانه صحبت کند و دو فروشنده دیگر نیز اکنون بسیار خوشحال بودند. آن‌ها اکنون می‌توانند وظیفه خود را حتی کارآمدتر انجام دهند. حال بیایید ارتباط این داستان را با بازار پیدا کنیم.

فرض کنید ما ۳ موقعیت باز معاملاتی در حساب خود داریم. مورد اول سودآوری قابل توجهی دارد و اساساً در روند صعودی قرار دارد. از زمانی که ما آن را خریداری کردیم، سود قابل توجهی به ما داده است؛ زیرا روند صعودی تازه از زمان خرید ما شروع شده و روند آن هنوز هم بسیار قوی مانده بود. هیچ علامت معکوسی وجود نداشت و مشخص بود که می‌توان آن را برای مدت زمان طولانی در معاملات نگه داشت. از نظر تکنیکال، در حال شکل دادن سقف‌های بالاتری بود، بالای میانگین متحرک بود و در اندیکاتور RSI هم قوی بود. برای خرید، سهمی عالی بود که هرکسی می‌تواند در سبد سهام خود داشته باشد و اما سهم دومی وجود داشت که دقیقاً مثل فروشنده دوم بود. در استراحت و رنج بود. هیچ سودی نمی‌داد و همچنین ضرر نمی‌کرد. از روزی که سهام خریداری شد، در نزدیکی نقطه‌ی ورود قرار داشت. این برای معامله‌ی ما نه سود و نه ضرری داشت. فقط آنجا در نزدیک قیمت اولیه خود دراز کشیده بود. همان طور که فقط در آنجا دراز کشیده بود، معامله‌گر را زیاد آزار نمی‌داد و می‌توانست روی کارهای روزمره خود تمرکز کند، سهام جدیدی پیدا کند، به دنبال بخش‌های جدید برای معامله و غیره باشد، اما سهم سوم وجود داشت که از زمان خرید وارد ضرر شده بود. این یک ضرر و باری بردوش معامله‌گر بود که یک سهم، پول را از حسابش خالی می‌کند، اما در آن موقعیت، او به جای خروج از آن، این امید را ادامه خواهد داد که «ممکن است» در آینده وضعیت بهبود یابد. رفتار ما هنگام معامله در بازار سهام کاملاً غیر منطقی است و می‌تواند زمان، تجربه و ضررهای زیادی را به خود اختصاص دهد تا زمانی که متوجه شویم چه کاری انجام داده‌ایم. معامله‌گران، سهام زیادی در پرتفوی خود دارند؛ بنا بر این هر وقت سهام حرکت خوبی را در صعود انجام می‌دهند و سود خود را نشان می‌دهند، معامله‌گران مشتاق فروش

آن و بستن موقعیت هستند. به عبارت ساده، آنها نسبت به سهام سودآور بی تاب هستند. در همان زمان، هنگامی که یک سهام شروع به سقوط می‌کند، آنها تمام نقل قول‌های وارن بافت را در مورد صبر به یاد می‌آورند و این سهام در حال ریزش را برای سال‌های طولانی نگه می‌دارند. آیا به عنوان یک معامله‌گر، این را تجربه کرده‌اید؟ آیا هیچ ارتباطی بین داستان سه فروشنده و حساب معاملاتی حس می‌کنید؟ حدس شما درست است! همین روند فکر بر تصمیم‌گیری شما تأثیر می‌گذارد و شما زودتر از موعد به فروش سهام سودآور خود می‌پردازید. این اولین اشتباه است. علاوه بر این، بیشتر شما به نگه داشتن سهام ضررده خود اصرار می‌ورزید. این دومین اشتباه است. یک معامله‌گر یا سرمایه‌گذار تنها در صورت معکوس کردن این روند در معاملات خود موفق می‌شود؛ یعنی به عنوان معامله‌گر ما باید نسبت به معاملات از دست رفته بی تاب باشیم و باید نسبت به معاملات برنده صبر کنیم.

بهترین کتاب معاملاتی، ژورنال معاملاتی خودتان است. آن را تجزیه و تحلیل کنید و ببینید چه چیزی برای شما کار می‌کند و چه چیزی نه. سپس بیشتر کارهایی را انجام دهید که برای شما مفید است و کمتر کارهایی را انجام دهید که برای شما فایده‌ای ندارد. از این طریق شما محدوده معاملاتی خود را می‌شناسید، پس دنبال آن بگردید تا آن را پیدا کنید.



Trader98.com

فصل ششم

ژورنال معاملاتی



ژورنال معاملاتی چیزی نیست جز گزارشی که معامله‌گران می‌توانند از آن برای ثبت معاملات خود استفاده کنند؛ بنا بر این یکی از مؤثرترین ابزارها برای بهبود مهارت‌های معاملاتی یک معامله‌گر است. یک ژورنال معاملاتی خوب دو هدف را دنبال می‌کند:

(۱) به ردیابی پیشرفت معاملات کمک می‌کند.

(۲) و همچنین اشتباهات مرتکب شده توسط معامله‌گر را نمایان می‌کند.

ژورنال معاملاتی مزایای زیادی دارد که برخی از آن‌ها در زیر آمده است:

- ژورنال به شناسایی نقاط ضعف یک معامله‌گر کمک می‌کند. پس از شناسایی این موارد، اگر معامله‌گر از چنین معاملات ناموفقی اجتناب

- کند، بلافاصله در منطقه سربه سر قرار می‌گیرد.
- این کار به تنظیم دقیق استراتژی معاملات شما کمک می‌کند.
- انجام این کار به شناسایی شرایطی که معامله‌گر در آن موفق می‌شود کمک می‌کند. بعداً معامله‌گر می‌تواند برای به حداکثر رساندن سود، کمی بیشتر ریسک کند.
- یک ژورنال معاملاتی همه‌چیز را در مورد یک معامله‌گر می‌گوید. به عبارت ساده، مانند برگه نمرات یک دانش‌آموز است.

چگونه یک ژورنال معاملاتی ایجاد کنیم؟

ایجاد یک ژورنال معاملاتی آسان است و معامله‌گران باید تمام جزئیات مربوط به معاملات خود را در آن درج کنند.

مرحله ۱ - منبعی را برای ثبت اطلاعات انتخاب کنید. این منبع می‌تواند حساب شما یا مثلاً فایل اکسل باشد که برای خود می‌سازید. من پیشنهاد می‌کنم صفحه‌ی ژورنال جدیدی برای خود بسازید.

مرحله ۲ - تمام اطلاعاتی را که باید در ژورنال ثبت شود شناسایی کنید. برخی از جزئیات مهم و ضروری عبارت‌اند از: نام سهم، تاریخ ورود، دلیل ورود، قیمت ورود، تاریخ خروج، قیمت خروج، دلیل خروج، حد ضرر، نکات و غیره.

مرحله ۳ - پس از طراحی و آماده‌سازی قالب اصلی، تمام معاملات خود را در آن ثبت کنید. هرگز این مرحله را به تعویق نیندازید.

مرحله ۴ - هنگامی که داده‌های کافی دارید (۲۵-۱۰۰ معامله)، داده‌ها را جمع‌آوری کنید و مناطقی را که در آن دچار اشتباه شده‌اید مطالعه و سپس، سعی کنید از این اشتباهات در آینده اجتناب کنید.

معامله‌گران می‌توانند از الگوی معاملاتی زیر برای ثبت معاملات خود استفاده کنند.

ردیف	نام است	اهرم	سل / بای	نقطه‌ی ورود	تاریخ ورود	ساعت ورود	نقطه‌ی خروج	تاریخ خروج	ساعت خروج	میزان سود / ضرر	مدت باز بودن معامله	ستاپ	احساس
------	---------	------	----------	-------------	------------	-----------	-------------	------------	-----------	-----------------	---------------------	------	-------

اهمیت یک ژورنال معاملاتی

با یک ژورنال معاملاتی خوب، معامله‌گران می‌توانند استراتژی یا سیستم معاملاتی خود را در طول زمان بهینه کنند. ژورنال همچنین هنگام مدیریت معاملات اعم از ورود یا خروج، به کنترل احساسات شما کمک می‌کند. معامله‌گران موفق به یک چارچوب معاملاتی سودآور متکی هستند. یک ژورنال معاملاتی خوب منبع ارزشمندی برای چارچوب معاملاتی تشکیل می‌دهد و به معامله‌گران کمک می‌کند تا معاملات خود را در شرایط مختلف بازار مدیریت کنند.

روانشناسی معاملات نقش مهمی در موفقیت معامله دارد. بسیاری از معامله‌گران انواع مختلفی از احساسات را تجربه می‌کنند که منجر به تصمیمات نادرست در زمان انجام معاملات می‌شود.

حفظ یک ژورنال معاملاتی به شما این امکان را می‌دهد که احساسات خود را در طول انجام معاملات ثبت کنید و در مراحل بعدی منبع چنین احساساتی را شناسایی کنید و این موضوع موفقیت شما را در معاملات تسریع می‌کند.

اسناد و مدارک هر معامله، شما را مسئول اقدامی خاص می‌کند. همان طور که می‌دانید، معامله‌ی موفق تماماً به تصمیم‌گیری بهتر در زمان انجام معاملات مربوط می‌شود. مسئولیت‌پذیری برای هر حرکت، اولین قدم برای تصمیم‌گیری بهتر در معاملات آینده است.

این موضوع به رشد خطی شما کمک می‌کند. یک معامله‌گر با آنالیز دقیق ژورنالش در بازه‌های زمانی معین و به کارگیری آن در معاملات بعدی است که می‌تواند به پیشرفت خوبی در معاملاتش برسد.



Trader98.com

بازار برای معامله‌گران واقعی در تعطیلات آخر هفته بسته نیست.

این تعطیلات زمانی برای تیز کردن شمشیرهاست از طریق:

کتاب خواندن

تماشای مصاحبه یا مستند

بررسی بازار برای هفته آینده.



Trader98.com

فصل هفتم
مصاحبه‌ها



Trader98.com

مصاحبه اول؛ استیو برنز تنسی، ایالات متحده آمریکا

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بگوئید و اینکه اولین بار چه زمانی در مورد بازارها شنیدید؟

در حالی که تحصیلات آکادمیک سنتی من با دیپلم دبیرستان به پایان رسید، خود آموزی من با خواندن بیش از ۱۰۰۰ کتاب غیر داستانی ادامه یافت که بیش از ۴۰۰ مورد از آن‌ها در مقوله سرمایه‌گذاری، تجارت و امور مالی بودند. حدود ۱۳ سال پیش من به عنوان مفیدترین بررسی کننده کتاب معامله‌گری در آمازون شناخته شدم. عشق من به مطالعه و خود آموزی تا به امروز ادامه داشته؛ زیرا به طور متوسط هفته‌ای یک کتاب می‌خوانم.

من در اواخر دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک نوجوان شروع به بررسی نمودارهای رشد مرکب سرمایه کردم. تقریباً در همان زمان خواندن مقاله‌های مربوط به سهام در روزنامه‌ها را آغاز نمودم و نحوه حرکت روزانه آن‌ها را به تماشا نشستم. من همیشه سرمایه‌گذاری و معامله‌گری را دوست داشتم، بنا بر این بازار سهام محل تحقق این علاقه مندی بود. برنامه‌ی من در ۱۹ سالگی این بود که از بورس برای رشد سرمایه و استقلال مالی استفاده کنم.

۲. در ماه‌ها یا سال‌های اولیه معاملاتی با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

من خوش شانس بودم که اولین تجربه‌ی من، با سرمایه‌گذاری ساده در صندوق‌های مشترک با رشد بالای حوزه فناوری در دهه ۱۹۹۰ همراه شد. در ابتدا سرمایه‌گذاری بسیار آسان به نظر می‌رسید و من می‌خواستم سرمایه‌ام را سالیانه و گاهی روزانه افزایش دهم.

اولین آموزش واقعی من در سال ۲۰۰۰ آغاز شد؛ زیرا بازار به اوج خود رسید و

فهمیدم که بازار با چه سرعتی می‌تواند سقوط کند. من سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ را به طراحی یک پلن معاملاتی بهتر گذراندم تا از ضررم خارج شوم و به اوج خود برسم و دوباره شروع به رشد دادن سرمایه‌ام کنم. این رویداد، سفر واقعی من را به عنوان یک معامله‌گر آغاز کرد و من، نحوه کاهش ضرر و نگه داشتن سودهای بزرگ را یاد گرفتم.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

من یک سویینگ تریدر هستم که سهام با امکان رشد زیاد، جفت ارزها، IPO^۱ ها و برخی موقعیت‌های در لحظه روی چارت‌های مختلف را معامله می‌کنم. زمانی که دلیل خوبی برای خروج از یک معامله‌ی در سود، در سویینگ وجود نداشته باشد، معاملاتم را برای مدت زمان بیشتری باز نگه می‌دارم و اجازه‌ی سود بیشتر به معامله‌ام می‌دهم.

۴. آیا در زمان شروع تجارت متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت

غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟

من از سال ۱۹۹۲ تا زمان فروپاشی حساب دات‌کام در مارس ۲۰۰۰ که دیگر نتوانستم سرمایه‌ی خود را افزایش دهم ضرر طولانی‌مدتی نداشتم. البته من بیشتر یک سرمایه‌گذار بلندمدت بودم و روی نگه‌داری و چرخش پرتفویم تمرکز کردم، به جای اینکه یک معامله‌گر عجول و کوتاه‌مدت باشم.

البته من در هر بازار، عقب‌نشینی‌هایی داشتم، اما مدت زیادی طول نکشیدند؛ زیرا نزدیک در نهایت به بالاترین حد خود در تاریخ رسید و سرمایه‌ی من همراه با آن رشد زیادی کرد. آن موقع فکر می‌کردم که سهام فقط رو به بالا حرکت

می‌کنند! من از اولین ضرر بزرگ پنجاه درصدی سرمایه‌ام از مارس ۲۰۰۰ تا اوایل سال ۲۰۰۳ خیلی چیزها یاد گرفتم و در حدود سال ۲۰۰۵ مجدد به اوج خود بازگشتم.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال‌هایی همراه با نمودار ذکر کنید)

سیگنال‌های معاملات سوئینگ مورد علاقه من در حال حاضر تقاطع یا کراس EMA^۱ پنج و بیست در تایم فریم روزانه است و من سوار موج‌های آن می‌شوم تا زمانی که یک کندل نزولی ببینم یا در نزدیکی RSI 70 به محدوده‌ی اشباع خرید برسد.

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

اگر می‌خواهید یک معامله‌گر باشید، اولین قدم ایجاد یک سیستم معاملاتی دقیق است. در نتیجه با استفاده از سیستم معاملاتی خود، با واچ لیست مناسب، حجم‌های مشخص و نظم و انضباط در دراز مدت معامله کنید. قمارباز نباشید، مثل یک کازینو معامله کنید.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

برای معامله‌گران جدید، پیشنهاد می‌کنم با کتاب خودم «معامله‌گر جدید، معامله‌گر ثروتمند» شروع کنند و سپس از کتاب‌های دیگرم مطالعه کنند. برای معامله‌گران باتجربه‌تر، برخی از بهترین کتاب‌های معاملاتی که تاکنون نوشته شده‌اند، مجموعه‌های «جادوگران بازار» نوشته جک شواگر و «در جهت روند» نوشته مایکل کوول هستند. اگر می‌خواهید بدانید که بهترین معامله‌گران

حرفه‌ای و مدیران پول واقعاً چگونه معامله می‌کنند، این کتاب‌ها را بخوانید.



Trader98.com

مصاحبه دوم؛ ایندرازیت شانتاراج بنگالورو، هند

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بگویید و اینکه اولین بار چه

زمانی در مورد بازارها شنیدید؟

با تشکر از فرصتی که در اختیارم گذاشتید.

من مدرک مهندسی IT دارم و به عنوان یک شهروند معمولی، کارم را در صنعت نرم افزار شروع کردم. من در سال ۲۰۰۷ به گروه بانکی استرالیا و نیوزلند (ANZ) پیوستم. اکثر همکارانم در بازارها فعال بودند و من نیز همراه با آنها شروع به خرید و فروش برخی سهام کردم.

اما من داستان دیگری دارم که به من انگیزه داد تا نگاهی جدی به بازار داشته باشم. یک داستان بزرگ و مهم که من این داستان را در کتاب جدیدم به نام "Price Action Trading" توضیح داده‌ام.

داستان به طور خلاصه این است که من یک دوست صمیمی دارم که فوق العاده باهوش است و در همه زمینه‌های زندگی به جز بازار سهام موفق بوده است. در نوسانات سهام Nifty^۱ در می ۲۰۱۹ که او تمام پس انداز خود را از دست داد (در واقع، بیشتر از پس اندازش) از آن روز بود که من در مورد بازارها کنجکاو شدم.

۲. در ماه‌ها یا سال‌های اولیه معاملاتی با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

من از ابتدا علاقه خاصی به معاملات روزانه یا تایم پایین داشتم. این فقط به دلیل

۱ - (Nifty) یک شاخص بازار سهام هند است که میانگین وزنی ۵۰ شرکت از بزرگ‌ترین شرکت‌های هندی فهرست شده در بورس ملی این کشور را نشان می‌دهد. NIFTY یکی از دو شاخص اصلی سهام مورد استفاده در هند است، دیگری BSE SENSEX است.

به دست آوردن پول سریع نیست، بلکه علاوه بر آن دوست نداشتم شب‌ها نگران بخوابم و روز بعد هم یک روز کاملاً جدید خواهد بود.

در آن روزها، کارمزد باز کردن و بستن برای معاملات روزانه بسیار بالا بود. هنوز یادم هست یک روز توانستم در NIFTY مقداری سود کنم و خوشحال شدم، اما وقتی به حسابم در پایان روز نگاه کردم منفی بود؛ زیرا به دلیل کارمزد زیاد باز کردن و بستن معاملات مجبور شدم مقداری پول اضافی نیز بپردازم. همه این مشکلات با معرفی Zerodha^۱ ناپدید شدند.

علاوه بر این، مدیریت معامله‌گری در کنار شغلم واقعاً برای من چالش‌برانگیز بود.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

من فقط در بازارهای هند معامله می‌کنم. برای معاملات روزانه فقط Nifty و Banknifty^۲ را معامله می‌کنم. برای معاملاتم در تایم بالا (پوزیشن تریدینگ)، تمام سهم‌های خوب را در Nifty بررسی می‌کنم.

من از مفاهیم نمایه بازار^۵ برای معاملات تایم بالای خود و از برک آوت (شکست) در پرایس اکشن برای معاملات خودم استفاده می‌کنم. بسته به شرایط بازار، من از ابزارهای معاملاتی دیگری هم استفاده می‌کنم. به عنوان مثال، قبل از معرفی معاملات آپشن در تایم هفتگی، من یک

۲ - Zerodha یک کارگزاری آنلاین سهام در هند است که کارمزدهای پایینی دارد.

۳ - Banknifty شاخص سهام بانکی در کشور هند است و این شاخص دارای ۱۲ سهم از بخش بانکی است.

۵ - مفاهیم نمایه نموداری است که اطلاعات مربوط به فعالیت بازار را نشان می‌دهد و اطلاعات قیمت، حجم و بازه زمانی را در یک نمودار ترکیب می‌کند. نمودار اطلاعات قیمت را در مقیاس عمودی یا محور y و اطلاعات حجم را در محور افقی یا x نمایش می‌دهد.

معامله‌گر اختیار خرید در بازار آپشن در تایم روزانه بودم. بعد از افت قابل توجهم در معاملات آپشن، من به معاملات فیوچرز روی آوردم. پس از شروع کووید-۱۹، محدوده رنج روزانه Nifty و Banknifty شکسته شد. پیش از این، حرکت ۵۰۰-۶۰۰ پوینت در یک روز در Banknifty یک سناریوی نادر بود. اکنون (۲۰۲۰-۲۰۲۱)، Banknifty تقریباً هر روز این حرکت را انجام می‌دهد! بنا بر این در معاملات فیوچرز، برای کاهش ریسک، تعداد و حجم معاملات من کمتر شد و در نتیجه سود کمتری نیز به دست آوردم. به دلیل این حرکت‌های عجیب بازار بیشتر به سمت معاملات فروش ترغیب شدم. بیشتر اوقات، من استراتژی credit spread^۱ را به کار می‌برم. گاهی اوقات هم من از iron condor^۲ و معاملات آپشن استفاده می‌کنم.

۴. آیا در زمان شروع معاملات خود متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟

من اکثر اشتباهات در معامله‌گری را حداقل یک بار مرتکب شده‌ام. هر وقت پول زیادی را از دست می‌دادم، چند روزی استراحت می‌کردم و بعد مجدد برمی‌گشتم و دوباره تلاش می‌کردم. من فکر می‌کردم که یک اندیکاتور جادویی وجود دارد که راز کسب درآمد زیاد در معاملات است. من در آن زمان‌ها در سمینارهای معامله‌گری زیادی هم شرکت کردم.

اما بعداً متوجه شدم که مدیریت سرمایه و روانشناسی معاملات نقش حیاتی

۱- Credit spread تفاوت بین بازده اوراق قرضه شرکتی و نرخ معیار را می‌گویند.

۲- Iron condor یک استراتژی در بازار معاملات آپشن می‌باشد.

در معاملات بازی می‌کنند.

همه مرتکب اشتباه می‌شوند و من هم از این قاعده مستثنا نبودم. من در هر معامله ریسک بیشتری می‌کردم و هر زمان که با شکست مواجه می‌شدم، به دو دلیل احساس بدی داشتم:

(۱) درد از دست دادن پول،

(۲) دشواری در پذیرش شکست.

بعداً من ریسک خود را به ۲٪ در هر معامله کاهش دادم و این باعث شد اولین مشکل (درد ناشی از «از دست دادن پول») به طور خودکار حل شود، چون دیگر قسمت بزرگی از پرتفوی خود را از دست نمی‌دادم.

همچنین مدیتیشن به من کمک می‌کند شکست را بپذیرم و به معامله‌گری خود ادامه دهم.

هیچ معلمی بهتر از خود بازار نیست. هر وقت احساس می‌کردم همه چیز را می‌دانم و می‌توانم پول زیادی به دست بیاورم، روز بعد ضرر بزرگ‌تری می‌کردم؛ بنا بر این، تصمیم گرفتم متواضع باشم، به جای از دست دادن پول و تقدیم کردن پول به بازار، برای همیشه نگرش یادگیری یا در حال یادگیری بودن را حفظ کنم! **۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال همراه**

با نمودارها را ذکر کنید)

پوزیشن تریدینگ^۱: من از پرایس اکشن ساده و مفاهیم شکست (برک اوت) برای پوزیشن تریدینگ خود استفاده می‌کنم.

۱ - پوزیشن تریدینگ: معامله‌گری در تایم‌های بالا که توسط معامله‌گران با حجم زیاد و مؤسسات انجام می‌شود و اصولاً معاملات برای مدت‌زمان‌های زیادی باز می‌ماند

دوره هولد کردن من بین ۲ روز تا ۱ ماه متغیر است و من بیشتر معاملات موقعیتی خود را در تویبیتر به اشتراک می‌گذارم تا به مردم آموزش دهم. من عاشق معاملات شکست (برک اوت) هستم؛ زیرا حرکت خوبی را در زمان سریع به ارمغان می‌آورد.

من همیشه به دنبال نکات زیر برای انتخاب یک معامله‌ی شکست یا برک اوت هستم:

- (۱) یک کندل بزرگ،
- (۲) شکست (برک اوت) باید در زمان سریع رخ دهد (یعنی در یک روز)،
- (۳) عدم حضور علامت فروش در کندل برک اوت،
- (۴) حجم خوب کندل برک اوت.



تصویر ۱ - معامله‌ی برک اوت mind tree در ۱۰-مارس-۲۰۲۱

تصویر بالا یک فرصت معامله‌ی خوب را در Mindtree در ۱۰ مارس ۲۰۲۱ نشان می‌دهد.

این معامله تمام ۴ شرط لازم برای ورود را داشت، به همین دلیل من در روز معاملاتی بعدی، یک معامله خرید در بالای کندل شکست انجام دادم.



تصویر ۲ - نتیجه معامله‌ی برک آوت mind tree

من پس از ورود، ترجیح می‌دهم استاپ‌لاس را زیر پایین‌ترین نقطه‌ی نوسانی سوبینگ (swing lows) یا در صورت وجود کندل نزولی بزرگ، زیر پایین‌ترین قسمت آن کندل قرار دهم.

در تصویر بالا ۱، ۲، ۳ و ۴ نقاط استاپ لاس من هستند و در ۱۳ آوریل بالاخره حد ضررم را زد.

معاملات روزانه (در طول یک روز)

من به فعالیت‌های معاملاتی چند روز گذشته و جو بازار در روز قبل برای معاملات روزانه خود مراجعه می‌کنم.



تصویر ۱ - نمودار روزانه nifty پس از بسته شدن بازار در ۱۲ آوریل ۲۰۲۱

اگر به نمودار بالا (Nifty) در تایم فریم روزانه نگاه کنیم، یک چیز واضح است: فروشندگان از یک تا یک و نیم ماه گذشته بر بازار تسلط دارند.

جو یا سنتیمنت روز گذشته بازار منفی است؛ زیرا بازار با گپ بزرگ باز شد و در پایین ترین حد روزانه هم بسته شد.

تصادفاً پایین ترین سطح روز با پایین ترین سویینگ قبلی تطابق دارد. بنابراین، در صورت شکستن سطوح ۱۴۲۶۰ امکان یک حرکت بزرگ وجود دارد و من قصد دارم برای روز بعد معامله فروش انجام دهم. این دیدگاه را حفظ خواهیم کرد مگر اینکه تثبیت قیمت در ۱۴۲۶۰ را ببینم، اما یافتن نقطه ورود مناسب ضروری است.

به نظر من فقط نقاط «ورود» و «خروج» سرنوشت معاملات ما را تعیین می‌کند و بقیه چیزها بی‌فایده است.



تصویر ۲ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای nifty در ساعت ۹:۳۰ صبح در ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

من هیچ معامله‌ای را باز نکردم؛ زیرا قیمت ۱۴۲۶۰ (کف سوینگ قبلی) یا ۱۴۲۸۰ (پایین‌ترین قیمت روز قبل) را نشکست.

در ساعت ۹:۳۰ صبح (پس از گذشت ۱۵ دقیقه از باز شدن بازار)، مشخص بود که در جریان باز شدن بازار، تعدادی خریدار وجود دارند و نمی‌خواهند در قیمت کمتر از روز قبل معامله کنند. بنابراین، گزینه بعدی من این است که صبر کنم تا قدرت خریداران تمام شود یا روند خرید ضعیف و خسته شود یا نقطه فروش نمایان شود. بازی انتظار شروع شد.



تصویر ۳ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای Nifty در ساعت ۱۰:۳۰ صبح در ۱۳-آوریل ۲۰۲۱

در ساعت ۱۰:۳۰ صبح، خریداران در Nifty ضعیف شدند و همچنین یک الگوی انگالفینگ نزولی در نمودار ۱۵ دقیقه‌ای ظاهر شد؛ بنابراین، من تصمیم گرفتم که یک معامله کوچک فروش انجام دهم. من نمی‌خواستم معامله‌ی فروش باز کنم؛ زیرا ممکن است بلافاصله قیمت سقوط نکند. از این رو، من از طریق Credit spread، موقعیت فروش را انتخاب کردم.



تصویر ۴ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای nifty در ساعت ۱۲ بعدازظهر در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

همان طور که انتظار داشتم، قیمت شروع به کاهش کرد و من مقداری در سود بردم.

قیمت بسیار نزدیک به پایین‌ترین قیمت روز و پایین‌ترین قیمت روز قبل بود و در صورت شکستن این سطح پایین، حرکت بزرگ اجتناب‌ناپذیر بود، اما قیمت شاهد حضور تعدادی خریدار در سطوح پایین‌تر در ساعت ۱۲ بود. تصمیم گرفتم معامله خود را نگه دارم.

تصمیم گرفتم در صورت شکستن سطح پایین و نشان دادن ضعف دوباره در حرکت اصلاحی رو به بالا، چند پوزیشن فروش دیگر اضافه کنم.



تصویر ۵ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای nifty در ساعت ۱۳:۰۰ در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

همان طور که انتظار می‌رفت، Nifty در ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر کمی جهش و بعد خستگی را نشان داد.

اگر با چارت Nifty و Banknifty آشنایی داشته باشید، رالی دوم بین ساعت ۱۳:۰۰ تا ۱۴:۰۰ شروع می‌شود.

اگر Nifty قیمت پایین آخرین کندل را بشکند (با همان مقدار) دوباره چند پوزیشن فروش دیگر اضافه خواهیم کرد.

در حال حاضر من یک موقعیت فروش دارم و حداکثر ریسک قابل پذیرش هم تعریف شده است، همه چیز تا الآن خوب به نظر می‌رسد.



تصویر ۶ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای خوب در ساعت ۱۳:۳۰ در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

دوباره، قیمت به نفع من حرکت کرد و برای یک سقوط قابل توجه خوب به نظر می‌رسد.

تنها چیزی که نیاز داشتم یک فشار جزئی به پایین‌ترین قیمت روز بود، پس از آن، سقوط قیمت به طور خودکار اتفاق می‌افتد؛ (زیرا باعث می‌شود استاپ لاس همه خریداران زده شود).

من احساس خوشحالی می‌کردم، اما دقیقاً در همان لحظه متوجه بودم که بارها بازار، خوشحالی‌های من را در گذشته خراب کرده است.

نمی‌دانستم که در ۱۵ دقیقه آینده نیز مهمانی من را خراب می‌کند.



تصویر ۷ - نمودار ۱۵ دقیقه‌ای nifty در ساعت ۱۳:۴۵ در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

همه‌ی برنامه‌های من زمانی که nifty پایین‌ترین سطح قیمت را نشکست، به هم خورد، اما با این وجود، مقداری حرکت کرده بود.

متوجه شده بودم که اکنون زمان بستن پوزیشن فروش من است.

لحظه دردناکی بود، اما باید به بازار احترام می‌گذاشتم. در غیر این صورت ضرر کردنم قطعی بود.

ورودی اول من حدود ۱۰ پوینت سود داد و ورودی دوم تقریباً سربه‌سر بود.

با وجود اینکه سود کردم، اما من این معامله را یک معامله سربه‌سر (به دلیل کارمزد و مالیات) می‌دانم.

انتظار سود زیادی داشتم، اما در نهایت چیزی به دست نیاوردم؛ اما بیایید ببینیم چه اتفاقی برای بازار افتاد.



تصویر ۸ – نمودار ۱۵ دقیقه‌ای زیبا در EOD در ۱۳ آوریل ۲۰۲۱

(همه نمودارها از TradingView هستند)

قیمت در مسیر صعودی حرکت کرد و شاهد بسته شدن قیمت در بالاترین سطح روز بودیم.

ثابت شد تصمیم من برای بستن معاملات فروشم درست بوده است.

روی کاغذ ساده و زیبا به نظر می‌رسد، اما دلیلی برای به اشتراک گذاشتن این معامله خاص داشتم.

دو چیز برای معامله‌گران روزانه دشوار است:

۱- نگاه داشتن سود،

۲- تغییر دیدگاه آن‌ها پای بازار.

برای یادگیری مورد اول، فقط تمرین آگاهانه مورد نیاز است تا یاد بگیریم که

چگونه سود ببریم، اما نکته دوم مهم‌ترین نکته است و نقطه عطف هر معامله‌گر روزانه است.

دلیلش را می‌دانید؟

زیرا این نقطه شروع تمام اشتباهات معاملاتی است.

در بیشتر روزها، معامله‌گران در نقاط خوبی ورود انجام می‌دهند، اما وقتی بازار در حال تغییر است، نمی‌توانند تعصب و سوگیری خود را تغییر دهند.

برای مثال، اکثر معامله‌گران جدید یا معامله فروش خود را حفظ می‌کنند یا موقعیت‌های بیشتری را به معامله‌ی ضررده اضافه می‌کنند. در واقع میانگین کم می‌کنند یا حجم معاملات خود را افزایش می‌دهند.

این بدان معنا نیست که من کامل هستم. من در معاملات اشتباه می‌کنم، اما سعی می‌کنم تا حد امکان از اشتباهاتم جلوگیری کنم.

۶- توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

«توصیه» کلمه بزرگی است؛ زیرا من هنوز در حال یادگیری چیزهای زیادی به طور روزانه در بازار هستم، اما من فقط می‌توانم چند پیشنهاد دوستانه ارائه دهم:

- هر چیزی ممکن است در بازار اتفاق بیفتد و معامله فقط یک بازی احتمالات است؛ بنابراین، در یک معامله ریسک بزرگی نکنید.
- به عکس‌های سود معامله‌گران دیگر نگاه نکنید؛ زیرا چیزی جز برهم زدن تعادل عاطفی تان به شما نمی‌آموزد. همیشه روی ستاپ معاملاتی و مدیریت ریسک خود تمرکز کنید.
- هر زمان که وارد یک تایم فریم پایین‌تر می‌شوید، فرصت‌های بیشتری پیدا می‌کنید، اما ریسک نیز افزایش می‌یابد. پس تایم فریمی را انتخاب کنید که برای طرز فکر و مدت زمان در دسترس شما مناسب باشد.

- هرگونه بحث با موضوع معاملات ضروری نیست. اگر در حال کسب درآمد هستید، حق با شماست. در غیر این صورت اشتباه می‌کنید.
- «روانشناسی معاملات» و «مدیریت ریسک» در مقایسه با تحلیل تکنیکال به همان اندازه مهم هستند. لطفاً روی این دو جنبه نیز تمرکز کنید.
- معامله‌گری جنبه کوچکی از زندگی است. سعی کنید در کنار معامله‌گری، این زندگی زیبا را نیز کشف کنید. می‌توان کتاب خواند، به مکان دیگری سفر کرد، مدتی را در طبیعت گذراند، به افراد نیازمند کمک کرد، برخی از اعمال معنوی را یاد گرفت و غیره.

۷- خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

من نویسنده هستم، سختی نوشتن کتاب را می‌دانم. بیان فکر در کلمات کار دشواری است. از این رو، من برای کتاب‌های زیر احترام زیادی قائلم:

- 1) Trading in the Zone
- 2) Trade Like a Casino
- 3) New Trader Rich Trader
- 4) How to Avoid Loss and Earn Consistently in the Stock Market
- 5) Master Mind of Day Trading

Highlands Ranch, CO, USA جیک ووجاستیک

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بفرمایید و اینکه اولین بار چه زمانی در مورد بازارها شنیدید؟

من معامله‌گری را از سن ۱۲ سالگی شروع کردم، زمانی که پدرم یک حساب معاملاتی custodial^۱ برای من ایجاد کرد و از من خواست در مورد بازارها بیاموزم. من به سرعت مجذوب بازار سهام و روندها شدم. زمانی که به کالج رفتم، در رشته اقتصاد تحصیل کردم که به من کمک کرد تا بنیادی را که قیمت، عرضه و تقاضا را تغییر می‌دهند، درک کنم.

۲. در ماه‌ها یا سال‌های معاملاتی اول، با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

بزرگ‌ترین مشکل من در معاملات اولیه این بود که سعی کردم شرکت‌های بسیار کوچکی را بخرم که قیمت سهام پایینی داشتند؛ زیرا پول زیادی برای معامله در بازار نداشتم. این موضوع به هیچ‌وجه خوب کار نکرد؛ زیرا اکثراً قیمت سهام این شرکت‌ها به صفر رسیدند. من اولین حساب معاملاتی خود را در عرض ۱۸ ماه از دست دادم.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

من به طور کلی در حال معامله در بازارهای سهام ایالات متحده و معامله کردن سهامی هستم که با آن‌ها آشنا هستم. من تقریباً هرگز سهامی که در واچ لیستم نیستند را معامله نمی‌کنم. درک خصوصیات سهامی که معامله می‌کنید برای داشتن شانس بیشتر در معاملات بسیار مهم است.

۱ - عموماً به یک حساب پس‌انداز در یک مؤسسه مالی، شرکت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یا شرکت کارگزاری اشاره دارد که یک فرد بزرگ‌سال برای افراد زیر سن قانونی (افراد زیر ۱۸ یا ۲۱ سال، بسته به قوانین ایالت محل سکونت) آن را کنترل می‌کند.

من هم سویینگ تریدر و هم پوزیشن تریدر هستم که در تایم فریم‌های روزانه و هفتگی چارت‌ها را بررسی می‌کنم.

۴. آیا در زمان شروع معاملات متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟

بله، زمانی که شروع به کار کردم، حسابم را خیلی سریع از دست دادم؛ زیرا سهم‌های بسیار بی‌کیفیت را معامله می‌کردم و به این دلیل که قیمت آن‌ها پایین بود می‌خریدم و فکر می‌کردم اینکه بتوانم «سهم‌های زیادی» بخرم برایم بهتر خواهد بود. راهی که توانستم با انگیزه بمانم این بود که تا آنجا که می‌توانستم، به یادگیری ادامه دهم. هر زمان که اصطلاحی را می‌دیدم که معنی آن را نمی‌دانستم، آن را جستجو می‌کردم و سعی می‌کردم هر آنچه می‌توانم در مورد آن یاد بگیرم. بسیاری از آموزش‌ها در معاملات، با از دست دادن حساب و تلاش پیوسته در یادگیری محقق می‌شود.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال‌هایی همراه با نمودارها را ذکر کنید)

من در حال حاضر از نمودارهای ^۱Raindrop، حجم لنگر بر اساس قیمت، الگوهای نمودار ساده و اندیکاتور VWAP لنگر برای معامله استفاده می‌کنم. این ابزارهایی که من در ^۳TrendSpider استفاده می‌کنم به من این امکان را می‌دهند که عرضه و تقاضا را با دید جدیدی ببینم و همچنین الگوهای نمودار ساده را با استفاده از

۱- نمودارهای Raindrop با استفاده از هیستوگرام و حجم میانگین وزنی قیمت به نام VWAP، حجم را مستقیماً در هر نوار قیمت گنجانده است. از این رو Raindrops یک نقطه اوج بصری از جایی است که قیمت حرکت کرده است، چقدر زمان طول کشیده تا به آنجا برسد و همچنین جریان حجم با گذشت زمان.

۲- نرم‌افزار معاملاتی که برای کارآمدتر کردن تحلیل تکنیکال طراحی شده است

خطوط روند در مناطق اصلی تنظیم کنم.

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

توصیه من به معامله‌گران جدید این است که روی آنچه برای شما و شخصیت شما مفید است، تمرکز کنید. یک سبک معاملاتی ممکن است برای یک نفر عالی عمل کند و برای شخص دیگر یک شکست تمام‌عیار باشد. تنها راه برای درک شخصیت خود در بازار، تجربه کردن سود و ضرر است. کتاب‌های معاملاتی برای یادگیری دانش پایه عالی هستند، اما تجربه به شما درس‌هایی درباره خودتان و نحوه واکنش شما به سودها و ضررها می‌آموزد.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

اعترافات یک معتاد به بازار سهام - جیم کرامر

The Quants - اسکات پترسون



Trader98.com

مصاحبه چهارم؛ صومیا مالانی کلکته، هند

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بفرمایید و اینکه اولین بار چه زمانی در مورد بازار شنیدید؟

من در امتحانات راهنمایی و دبیرستان یکی از بهترین دانش آموزان بودم. خانواده‌ی من تاجر بودند و این موضوع باعث می‌شد که من با حسابداری و امور مالی آشنا باشم؛ بنابراین من در دوره‌های CA و CS^۱ شرکت کردم و در هر دو استعداد خوبی از خود نشان دادم. با این حال، من دوره‌ی آن مدارک را تمام نکردم؛ زیرا در این بین فرصتی رؤیایی برای تحصیل در دانشکده اقتصاد لندن پیدا کردم، جایی که کارشناسی ارشد را در حسابداری و امور مالی به پایان رساندم. ایده‌ی من همیشه کسب دانش هر چه بیشتر در زمینه حسابداری و مالی بود. انباشته کردن مدرک هیچ وقت به من انگیزه نداد. انگیزه من همیشه به دست آوردن علم و دانش بیشتر بوده است.

پدر بزرگم پس اندازهای خود را در بازارهای سهام سرمایه‌گذاری می‌کرد؛ بنابراین این از کودکی در مورد فلش‌های چشمک‌زن قرمز و سبز روی صفحه کنجکاو بودم. زمانی که من ابتدایی بودم، گزارش‌های سالانه معمولاً به صورت فیزیکی ارائه می‌شد. حتی در کودکی به طور تصادفی به آن‌ها نگاه می‌کردم بدون اینکه کوچک‌ترین درکی از آن‌ها داشته باشم. من اصلاً نمی‌دانستم که این کتاب‌ها، گاهی رنگارنگ و گاهی سیاه‌وسفید، شریک زندگی من خواهند شد.

۱ دو مدرک ca و cs مدارکی هستند که در هند برای صادرات محصول به خارج از کشور نیاز است.

۲. در ماه‌ها/سال‌های اولیه معاملاتی با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

یکی از گیج‌کننده‌ترین چیزها برای یک مبتدی بازار این است که میلیون‌ها روش برای معامله‌گری و سرمایه‌گذاری در بازار وجود دارد و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را درست یا غلط خطاب کرد. همه چیز به طرز فکر، نقاط قوت و ضعف شما مربوط می‌شود.

من به شدت معتقدم که برای موفقیت در هر زمینه‌ای باید درک روشنی از نقاط قوت و ضعف خود در آن زمینه داشته باشید و سپس سبک خود را بر اساس آن شکل دهید.

چیزی که وقتی از دانشکده اقتصاد لندن برگشتم برای من کاملاً واضح بود این بود که قطعاً تفاوت زیادی بین دنیای تئوری و دنیای عملی وجود دارد. از این رو می‌خواستم مسیر یادگیری عملی خود را با یادگیری از کسانی که قبلاً به آنچه من نگاه می‌کردم، رسیده‌اند، کوتاه کنم. به دنبال آن، به سراسر کشور سفر کردم و خوش‌شانس بودم که با بسیاری از سرمایه‌گذاران برتر هند آشنا شدم. بزرگ‌ترین درسی که از ملاقات با آن‌ها گرفتم این بود که هیچ راه واحدی برای کسب درآمد در بازار وجود ندارد. همه‌ی این سرمایه‌گذاران به طرز باورنکردنی موفق بودند، اما سبک‌های آن‌ها بسیار متفاوت بود. این موضوع ذهنم را باز کرد و به من فهماند که مسیری که همه‌ی ما از بیرون سعی در کشف آن داریم در درون ماست.

هنگامی که به این درک رسیدم، سعی کردم در مورد روش‌های مختلف رویکرد به بازار، مطالعه و دانش بیشتری کسب کنم؛ زیرا بدون آن هرگز نمی‌دانید چه رویکردی برای شما مناسب است. خیلی زود متوجه چیزهایی شدم که با طرز فکرم جور درمی‌آمدند و وقتی آن‌ها را دنبال می‌کردم باعث شدند خواب شبانه‌ی راحتی

داشته باشم.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

من فقط در بازار سهام هند معامله می‌کنم. در حالی که تنوع بین سهام کشورها مزایای خود را دارد، من شخصاً احساس می‌کنم که خاص و محدود کردن بازار بسیار مهم است. با تمرکز بر یک بازار، درک خوبی از شرکت‌ها و کسب و کار آن‌ها در یک دوره زمانی به دست می‌آورد که به شما کمک می‌کند تصمیمات هوشمندانه‌تری بگیرید.

من هم سرمایه‌گذار و هم معامله‌گر این بازار هستم. تمام رویکرد من برای انتخاب سهام این است که قوی‌ترین سهم را پیدا کنم. من شدیداً معتقدم به جای پیش‌بینی بازار، باید آن را دنبال کرد. من با نگاه کردن به نمودارهای سهام و بخش‌هایی از چارت که سقف‌های بالاتر جدیدی می‌زنند، شروع می‌کنم. برای اینکه هر سهم صعودی باشد، باید به طور مداوم در طول روند خود سقف‌های بالاتر و بالاتری بزند.

پس از آن، من عمیقاً در مورد مبانی و بنیاد آن شرکت جستجو می‌کنم تا بفهمم آن شرکت چه نوع رشدی را برای چه مدت می‌تواند داشته باشد؛ زیرا این یکی از مهم‌ترین عواملی است که یک شرکت را به یک شرکت سودده (multi bagger^۱) تبدیل می‌کند.

از آنجایی که زمان زیادی را در بازار سپری کرده و تجربه کسب کرده‌ام، متوجه شده‌ام که مولتی بگرها دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. هر سهمی که ترکیب

۱ - سرمایه‌گذار مشهور پیترب لینگ اصطلاح "multibagger" را به منظور اشاره به سهام یک شرکت که قادر به ایجاد بازدهی چندین برابر بیشتر از هزینه مربوط به درآمد آن‌ها بود، ابداع کرد. به طور دقیق، چنین سهامی بازدهی بیش از ۱۰۰ درصد را برای سرمایه‌گذاران خود فراهم می‌کند.

مرگبار زیر را داشته باشد، پتانسیل تبدیل شدن به یک مولتی بگر بزرگ را دارد:
 مدیریت چشم انداز + مقیاس پذیری + قدرت قیمت گذاری + شرایط خاص شرکت
 + رشد بالا + نرخ برگشت سرمایه + بدهی‌های باقیمانده کمتر از بدهی‌های
 پرداخت شده + مالکیت + رهبری در یک حوزه‌ی خاص از محصولات در جامعه =
 ترکیبی مرگبار برای مولتی بگر شدن

این رویکرد به من کمک کرد تا برخی از مولتی بگرهای متحول کننده زندگی
 مانند: Minda Industries، Apollo Tricoat، Bharat Rasayan، Avanti Feeds،
 Laurus Labs، Ajanta Pharma و غیره را پیدا کنم.

جدا از این، در زمینه سرمایه‌گذاری استارت‌آپی نیز بسیار فعال هستم. این به
 من این فرصت را می‌دهد تا با بسیاری از نخبگان در ارتباط باشم که به من کمک
 می‌کند ایده‌هایم را پرورش دهم و با واقعیت‌های این حوزه ارتباط برقرار کنم.

**۴. آیا در زمان شروع معاملات متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران
 سخت غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟**

در ابتدا، زمانی که معامله‌گری را شروع کردم، همان اشتباهاتی را انجام می‌دادم
 که هر تازه‌کار در بازار مرتکب می‌شود: از جمله اینکه ضررهایم را نمی‌پذیرفتم، دعا
 می‌کردم و منتظر می‌ماندم تا قیمت به قیمت اولیه بازگردد، سودهای کم من را
 ارضا نمی‌کردند و همیشه به دنبال سودهای بزرگ بودم. همیشه سهامی را
 می‌خریدم که به شدت سقوط کرده‌اند. با این امید که به کف قیمت رسیده‌اند و
 حتماً می‌توانم سود زیادی از آن‌ها بگیریم، غافل از این‌که این ریزش‌ها به این
 راحتی‌ها جبران نخواهند شد.

خوشبختانه به سرعت متوجه شدم که دیدگاهم به بازار مانند یک سرگرمی
 است و نه یک حرفه. سرگرمی‌ها قرار است از شما پول بگیرند. در حالی که یک

حرفه چیزی است که برای شما پول ایجاد می‌کند. از این رو، من یک تغییر ۳۶۰ درجه‌ای در رویکرد خود نسبت به بازار ایجاد کردم. شروع کردم به خواندن در مورد معامله‌گران و سرمایه‌گذاران موفق و نحوه برخورد آن‌ها با بازارها.

من همچنین زمان زیادی را صرف مطالعه‌ی تاریخ کردم تا عوامل رایجی را که یک شرکت را به ثروت آفرین یا نابودکننده ثروت تبدیل کرده‌اند، درک کنم و هنوز هم به همین کار ادامه می‌دهم. من همچنین خیلی روی درک نقاط قوت و طرز فکر کار کردم تا بتوانم روی استراتژی‌هایی که با شخصیت من سازگار است، معامله کنم.

من واقعاً هرگز بی‌انگیزه نبوده‌ام؛ زیرا در ذهنم مانند شیشه شفاف و واضح بود که می‌خواهم در این زمینه کسب و کاری بسازم و بازگشتی وجود ندارد. من خوش‌شانس هستم که خانواده‌ای دارم که همیشه از من حمایت می‌کنند و به من ایمان دارند. من فکر می‌کنم داشتن یک خانواده حامی در دوران سخت زندگی، بزرگ‌ترین نعمتی است که می‌توانید داشته باشید.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال همراه با نمودارها را ذکر کنید)

من خودم را به عنوان یک سرمایه‌گذار هم برای تایم‌های بالا و هم برای تایم‌های تا حدودی پایین‌تر می‌بینم. از نظر نموداری، ستاپ من بسیار ساده است. من از قیمت و حجم همراه با بالاترین قیمت ۵۲ هفته‌ای استفاده می‌کنم. من سعی می‌کنم در سهم‌هایی که به بالاترین حد خود می‌رسند، به دنبال عملکرد قوی قیمت باشم. وقتی این کار انجام شد، سعی می‌کنم بفهمم عملکرد شرکت چگونه است. پس از آن، معیارهای دیگری را فیلتر می‌کنم تا یک غربالگری اساسی کرده

باشم و سعی می‌کنم بفهمم شرکت چگونه عمل می‌کند و آیا با چک لیست من مطابقت دارد یا خیر.

سپس هنگامی که یک شرکت این پارامترهای فیلتر من را برآورده کرد، قبل از تصمیم‌گیری نهایی برای خرید، به تجزیه و تحلیل فاندامنتال عمیق شرکت از جمله^۱ Scuttlebutt می‌پردازم.



به طور کلی، مردم از خرید سهامی که به بالاترین سقف خود می‌رسد اجتناب می‌کنند؛ زیرا سهام تا آن لحظه به طور معمول ۵۰ تا ۱۰۰ درصد رشد داشته است. با این حال، باید درک کرد که ممکن است داستان بزرگی در حال رخ دادن باشد و این فقط می‌تواند شروع چیزی عظیم باشد. ساده‌ترین راه برای کنار گذاشتن یک معامله‌ی پرپتانسیل این است که بگویید تا همین الان هم خیلی پیشرفت کرده است.

در حالی که کار یک سرمایه‌گذار این است که تلاش کند و بفهمد که چرا چنین

۱- تکنیک Scuttlebutt به روشی برای یادگیری در مورد یک شرکت و شایستگی‌های سرمایه‌گذاری آن از طریق صحبت با افراد زیادی در آن شرکت و صنعت اشاره دارد که از طریق آن می‌توانید قبل از سرمایه‌گذاری خود را به طور کامل آماده کنید.

حرکت قدرتمندی انجام شده است و آیا هنوز هم می‌تواند تبدیل به یک مولتی بگر شود؟

همان طور که در نمودار آوانتی فیدز مشاهده می‌کنید، زمانی که سهام پس از یک دوره طولانی در سال ۲۰۱۳ به بالاترین حد خود رسید، حدود ۱۳ تا ۱۴ روپیه بود. در تقویم معاملاتی سالانه، این سهم قیمت پایین ۶٫۲۱ را هم دیده بود. یعنی همین‌الآن هم بیش از ۱۰۰٪ از پایین‌ترین سطح خود افزایش یافته بود. با این حال، سهام در کمتر از ۴ سال به ۹۸۰ روپیه رسید. این یک سرمایه‌گذاری متحول کننده برای من بود، جایی که ۷۰ برابر سرمایه‌ام را در ۴ سال با تخصیص ۴۴ درصد از پرتفویم در یک مقطع زمانی مشخص، به دست آوردم.

بزرگ‌ترین اشتباهی که ممکن بود انجام دهم، نادیده گرفتن سهام، درست زمانی بود که به بالاترین حد خود رسید، آن‌هم چون فکر می‌کردم قیمت در حال حاضر دو برابر شده است.

طرز فکر من در آن مرحله کاملاً برعکس بود. من سخت کار می‌کردم برای اینکه تا آنجا که می‌توانم در مورد یک شرکت بفهمم و بدانم برای آن شرکت از آنجا به بعد چه پتانسیلی برای رشد وجود دارد. در حین انجام این کار، متوجه شدم که شرایط خاصی وجود دارد که از رشد قوی شرکت حمایت می‌کند که اعتقاد من را چندین برابر افزایش می‌داد.

من اینجا با بیان این موضوع سلب مسئولیت می‌کنم که من پیشنهاد نمی‌کنم فقط به این دلیل که یک شرکت به سقف جدیدی رسیده است، شما کورکورانه آن را خریداری کنید. سقف‌های جدید فقط یک «نقطه شروع» یا یک فیلتر هستند تا بتوانیم با قوی‌ترین سهام در بازار همراه باشیم. پس تلاش زیادی لازم است تا بتوان سهام را قبل از خرید آن‌ها شناسایی کرد.

همچنین، اگر شرکت مطابق استراتژی شما عمل نمی‌کند، باید ریسک را مدیریت کرد و از آن خارج شد.

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

توصیه من به معامله‌گران جدید این است که خود و شخصیت خود را به روشی بهتر درک کنند و بر اساس آن معامله کنند. در بازارها، تمایل زیادی به تمرکز روی آنچه در اطراف ما اتفاق می‌افتد وجود دارد، اما پاسخ‌هایی که ما به دنبال آن هستیم در درون ما نهفته است. از مردم الهام بگیرید، از آن‌ها بیاموزید، اما به جای تقلید کردن کورکورانه از کسی، مسیر خود را بسازید.

همچنین، رویکرد شما در دوره‌های ضرر و زیان، قدرت شما برای بازگشت مجدد را تعیین می‌کند. زیان‌ها مانند شهریه‌هایی هستند که هر معامله‌گری باید برای یادگیری هنر معامله‌گری به بازار بپردازد. با این حال، مهم‌ترین چیز این است که از ضررها درس بگیریم. نمی‌توان از بروز اشتباهات اجتناب کرد، اما اگر فردی مسئولیت کامل نتایج خود را بپذیرد و تلاش آگاهانه‌ای برای بهبود شرایط انجام دهد، قطعاً می‌تواند آن‌ها را کاهش دهد.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

کتاب‌های زیر تأثیر زیادی در سفر من در بازار سهام داشته‌اند و می‌خواهم آن‌ها را به همه پیشنهاد کنم تا مطالعه کنند:

- 1) One Up on Wall Street
- 2) Beating the Street
- 3) How to Make Money in Stocks
- 4) Trade like a Stock Market Wizard
- 5) Market Wizards

6) Reminiscences of a Stock Operator

7) Think and Trade like a Champion

8) Trading in the Zone



Trader98.com

مصاحبه پنجم؛ جیمز گیلن نیویورک، ایالات متحده آمریکا

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بفرمایید و اینکه اولین بار کی در مورد بازارها شنیدید؟

من برای اولین بار از طریق دوستی که اتفاقاً در آن زمان رئیس من نیز بود، با معامله‌گری آشنا شدم. من به وضوح می‌توانم به یاد بیاورم که او سهامی نظیر تسلا را داشت که به نظرم ارزش آن قبل از اسپلیت^۱ حدود ۶۰ دلار بود. حرف او این بود که «در تسلا سرمایه‌گذاری کنید و بفروشید.» ای کاش به سخنان او توجه می‌کردم، اما من تصوراتی در مورد معامله‌گری و موانعی داشتم که باید بر آن‌ها غلبه می‌کردم. من باید به روش سختی که بسیاری از ما از آن طریق یاد می‌گیریم، یاد می‌گرفتم.

اگر در آن زمان گوش می‌کردم و روی تسلا سرمایه‌گذاری می‌کردم، الان یک مرد بسیار ثروتمند بودم! او همیشه پرتفو و حساب خود را به من نشان می‌داد. این واقعیت که شما می‌توانید سهام یک شرکت را بخرید و سرمایه خود را رشد چشمگیری بدهید، برایم بسیار جالب بود. این معرفی به دنیای سرمایه‌گذاری، آتشی را در من شعله‌ور کرد که به شغل و علاقه‌ای تبدیل شد که من برای آن برنامه‌ریزی نکرده بودم. او یک سرمایه‌گذار یا هولدر بود و این همان سبک معاملاتی بود که من می‌خواستم هنگام افتتاح اولین حساب معاملاتی خود از آن

۱- اسپلیت: شرکت‌ها بعد از اینکه قیمت هر سهم آن‌ها رشد می‌کند هر سهم را به تعدادی سهم با قیمت کمتر تبدیل می‌کنند. مثلاً اسپلیت ۱:۸ برای یک سهم با قیمت ۸۰ دلار، هر سهم را به ۸ سهم با قیمت ۱۰ دلار تبدیل می‌کند؛ یعنی کسی که یک سهم ۸۰ دلاری این شرکت را داشته حالا ۸ سهم از آن شرکت دارد منتها قیمت هر سهم ۱۰ دلار است این کار دلایل مهم زیادی دارد که یکی از آن‌ها راحت‌تر بودن خرید و فروش سهام با قیمت کمتر است. همین‌طور سهام با قیمت کمتر، از نظر روانی امکان رشد بیشتری دارند.

الگوبرداری کنم.

۲. در ماه‌ها یا سال‌های معاملاتی اولیه با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

در آغاز فعالیت معاملاتی خود من دچار کمبود نظم و انضباط، دانش و صبر و حوصله و مهم‌تر از همه، «صبر» موردنیاز برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر موفق بودم. من به سرعت از تمایل به یک سرمایه‌گذار بلندمدت بودن به یک معامله‌گر روزانه بودن تغییر نظر دادم. اقدام سریع و دستاوردهای بزرگ برای من جذاب بود. دیدم که معامله‌گران در عرض چند دقیقه صدها تا هزاران دلار به دست می‌آورند و من هم می‌خواستم همین کار را انجام دهم. من اصول معاملاتی را که شامل مدیریت ریسک، حجم پوزیشن، استاپ لاس و میانگین کم نکردن بود را درک نکردم. چیزهای ساده‌ای که برای معامله‌ای سودآور ضروری هستند.

این مفاهیم برای من ناشناخته بود و در همان ابتدا هزینه‌ی آن را پرداخت کردم. من یک سهم را با کل سرمایه‌ام خریدم، مقداری سود می‌کردم و مقداری از دست می‌دادم. در نهایت دچار یک ضرر بزرگ شدم که بیش از ۵۰٪ از حساب من را از بین برد. از اینکه در این مدت کوتاه این همه پول از دست دادم احساس افسردگی و دلسردی می‌کردم. من باقیمانده‌ی سرمایه‌ی خود در حساب معاملاتی‌ام را نقد کردم و برای چند سال آینده کاری با آن پول انجام ندادم. سرانجام در دوران کوتاه‌مدت بازار نزولی دوران کووید ۲۰۲۰ به بازار بازگشتم. فرصتی را دیدم که در سهام با قیمت تخفیف خورده^۱، سرمایه‌گذاری کنم. در عرض چند هفته دوباره نیمی از حسابم را از دست دادم. سهامی را با ضرر فروختم و بعد از آن شاهد رشد ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی آن‌ها بودم. من همان ناراحتی و درد

۱ - زمانی که سهام به قیمت‌های خوب برای خرید می‌رسند به اصطلاح گفته می‌شود که آن سهام تخفیف خورده‌اند.

مشابه اولین باخت بزرگم را مجدد احساس کردم، اما این بار آتشی در درونم شعله‌ور شد. آتشی که من را در مسیر یادگیری، رشد و تکامل به عنوان یک معامله‌گر قرار داد تا دیگر هرگز با پولی که به سختی به دست آورده‌ام در بازار کار نکنم.

من هر شب کتاب‌های تحلیل تکنیکال را مطالعه می‌کردم، الگوها، کندل‌ها، حجم و میانگین متحرک را مطالعه کردم. ویدیوها را تماشا کرده و کتاب‌هایی در مورد نحوه‌ی اجرای مدیریت ریسک مناسب، حجم پوزیشن و ویژگی‌های صحیح موردنیاز برای خرید را خواندم. من هر شب نمودارها را مطالعه می‌کردم و در نهایت شروع به حاشیه‌نویسی در نمودارهای خودم نمودم.

این نقطه عطفی در حرفه معاملاتی من بود. زمانی که به جای اتکا به آنچه معامله‌گران دیگر انجام می‌دادند و سهامی که آن‌ها می‌خریدند، به سمت حرفه‌ای شدن در شغل معامله‌گری روی آوردم. من از چارتیست‌هایی مانند:

@TraderStewie @MadMraket @TraderAmogh @PatternProfits
@saxena_puru و @Patrickwalker56 بلندمدت مانند: @jonahlupton و @duckman1717 @raytl- و سویینگ‌تریدرهایی مانند: برخی از معامله‌گران بزرگ در توییتر الهام گرفتم.

من از تمام معامله‌گرانی که از آن‌ها الهام گرفتم و می‌خواستم مثل آن‌ها باشم، چیزهایی یاد گرفتم و آن را به سبک خودم تبدیل کردم. سپس آن ۵۰ درصد ضرر را به ۸۰۰ درصد سود یا ۴۰۰ درصد رشد از سرمایه‌گذاری اولیه خود در کمتر از یک سال تبدیل کردم. من فکر می‌کردم در این مرحله یک جادوگر بازار سهام هستم؛ زیرا به سادگی و به طرز فوق‌العاده ۴۰۰ درصد از سرمایه‌گذاری اولیه‌ام رشد داشته‌ام. خیلی دقیق به من گوش کنید؛ زیرا می‌خواهم تکه‌ای از بهترین مشاوره

را به صورت رایگان در اختیار شما قرار دهم.

کسب درآمد تنها نیمی از نبرد معامله‌گری است. نیمه دوم این است که آن پول را نگه دارید، سودهای خود را حفظ کنید و از دست ندهید! شما فقط به اندازه معامله قبلی خود خوب هستید. قفل کردن سود در زمانی که انتخاب‌ها درست است حتی مهم‌تر از کسب آن سود در وهله اول است. بازار سهام شما را متواضع خواهد کرد و معمولاً پس از بزرگ‌ترین سودهاست که ما بیشترین ضرر را متحمل می‌شویم. از سرمایه خود به هر قیمتی محافظت کنید و همیشه از حد ضرر استفاده کنید. وقتی پای بازار می‌آیم، مدیریت ریسک همیشه اولویت شماره یک من است.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چگونه است؟

من سهام NYSE را معامله می‌کنم که شامل سهام عادی و ETF است و اخیراً شروع به معامله ارزهای دیجیتال نیز کرده‌ام.

من سبک معاملاتی خود را سبکی با ماهیت ترکیبی توصیف می‌کنم. هم در تایم فریم بالا و هم در تایم فریم پایین معامله می‌کنم.

سبک من ریشه در آموزه‌های ویلیام اونیل دارد که به انتخاب قوی‌ترین سهام از قوی‌ترین بخش‌ها با بهترین اصول فاندامنتال خلاصه می‌شود. من یک معامله‌گر breakout هستم. به دنبال سهام در یک دوره‌ی تجمع یا انباشت توسط معامله‌گران می‌گردم، سپس زمانی که آن سهام از یک پترن یا بیس خارج شد، معامله‌ی خود را باز می‌کنم. یک استراتژی ایجاد کرده‌ام که به طور مکرر در چارت‌های سهام، ارزهای دیجیتال و ETF به دنبال آن می‌گردم.

من اصولاً به دنبال این الگوها هستم: پرچم صعودی، وج نزولی، فنجان و دسته، افزایش حجم در قسمت‌های خاصی از الگوها و افزایش حجم برای عبور از مناطق تجمع. سپس زمانی که سهام از این الگوها با حجم بالا خارج شدند،

یک موقعیت معاملاتی را باز می‌کنم. عوامل زیادی وجود دارد که به شروع یک موقعیت معاملاتی جدید کمک می‌کند، این‌ها یک شکست ساده در الگوها به حساب می‌آیند.

به محض اینکه در معامله‌ای قرار گرفتم که در جهت پیش‌بینی من حرکت می‌کند تا زمانی که ممکن است از این روند استفاده خواهم کرد، چه هفته‌ها، ماه‌ها یا سال‌ها. من در طول مسیر حرکت چارت کم‌کم سیو سود می‌کنم و در پول‌بک‌ها و برگ‌های جدید به پوزیشنم حجم اضافه می‌کنم. زمانی که یک تغییر مهم در سهام به وجود بیاید یا زمانی که یک میانگین متحرک کلیدی با حجم بالا بشکند و بلافاصله آن را پس نگیرد، به طور کامل از معامله خارج می‌شوم. این خلاصه‌ای از استراتژی معاملاتی من است.

معاملات سوئینگ من هم در نحوه انتخاب سهامی که معامله می‌کنم و نقطه خریدی که در آن وارد می‌شوم، به روش قبلی من مشابه است. تنها تفاوت در معاملات سوئینگ من این است که من معامله را برای مدت زمان کوتاه‌تری نگه می‌دارم و به حجم معامله اضافه نمی‌کنم. وقتی معامله‌ی من به تارگت اولم رسید، یا به کل آن موقعیت را می‌بندم یا نصف آن را می‌فروشم و می‌گذارم نیمی دیگر از سهام به طی کردن مسیر خود ادامه دهد و به اصطلاح ریسک فری می‌کنم. ترفند من این است که به طور مداوم سود را حفظ کنم. همیشه وقتی این امکان وجود داشت سود را ذخیره کنید، حتی اگر سود کمی باشد.

۴. آیا در زمان شروع معاملات متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟

من در اوایل فعالیت معاملاتی خود ضررهای سنگینی را متحمل شدم. این ضررها از نظر مالی و روحی دردناک بود، اما درد آن ضررها بود که به من انگیزه داد تا به

خودم یاد بدهم چگونه معاملات سودآوری داشته باشم. باید به یاد داشته باشید که معامله‌گری یک سفر است نه یک مقصد. از قضا، سختی‌ها، کشمکش‌ها، ضررها و دردهایی که در مسیر یادگیری هنر معامله‌گری پیش می‌آید، سوختی است که شما را مجبور می‌کند یاد بگیرید که چگونه معاملات سودآوری داشته باشید و منضبط شوید.

ترفند معامله‌گری این است که از اشتباهات خود درس بگیرید و از آن‌ها به عنوان راهنمایی برای ایجاد یک سیستم معاملاتی مبتنی بر قوانین استفاده کنید که شما را سودآور نگه می‌دارد. ضررها، حفره‌ها و نقاط ضعف در معاملات شما را آشکار می‌کنند و شما را مجبور می‌کنند تا برنامه و سیستمی داشته باشید که دیگر هرگز با ضرر بزرگ روبرو نشوید.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال‌هایی همراه با نمودارها را ذکر کنید)

روشی که من در حال حاضر معامله می‌کنم این است که دقیقاً در زمان شکست (برک اوت) یک سهم وارد پوزیشن شوم و همیشه از حد ضرر برای کاهش ریسک در روند استفاده کنم. هنگامی که ریسک روند نزولی را کاهش می‌دهید، فرصت بی‌پایانی برای حرکت سهم ایجاد می‌کنید. شما باید به بیشترین مقداری که ممکن است در یک معامله از دست دهید آگاه باشید.

برای من این عدد ۴ تا ۷ درصد است و همچنین من در همان زمان، پتانسیل نامحدود برای حرکت سهم در جهت سودم ایجاد می‌کنم.

معماری معاملات من شامل نقطه خرید، استاپ لاس و حجم پوزیشن است. هر معامله‌ای معیار و ساختار دقیقی دارد. انتخاب سهام بر اساس اصول من است. من به دنبال قوی‌ترین سهام از بخش‌ها و صنایع برتر در بازار هستم. از جمله این

موارد می‌توان به افزایش فروش متوالی شرکت و ^۱EPS در طول ۳ فصل گذشته، افزایش مستمر در مالکیت صندوق، ^۲ROI بالا، رتبه ^۳RS بالای ۹۰ و مالکیت با کیفیت صندوق اشاره کرد.

صنایع و بخش‌های پیشرو در بازار را پیدا کنید، سپس سهام پیشرو را از این بخش‌ها و صنایع بیابید. بعد دنبال ستاپ‌های تکنیکال مناسب برای ورود در این سهام بگردید، اینجا زمانی است که چارت‌ها وارد می‌شوند.

شما در فازهای انباشت به دنبال سهامی هستید که در حال تشکیل دادن بیس‌ها هستند، پس منتظر بمانید و تماشا کنید تا این سهم‌ها در حجم بالا، فاز انباشت را بشکنند. اگر یک سهم در پشت شکست (برک اوت) حجم بالایی نداشته باشد، به این معنی که حجم آن بیشتر از حجم‌های ده روز گذشته نباشد، در آن صورت احتمال کار کردن برک اوت در آن به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.

الگوهای سهام در بازار از زمان پیدایش بازار سهام به طور مداوم تکرار شده‌اند. اینجا جایی است که روانشناسی انسان‌ها وارد کار می‌شود. ما به عنوان سرمایه‌گذاران حرفه‌ای این الگوها را درک کرده و معاملات خود را حول آن‌ها قرار می‌دهیم. نمودارهای سهام، نقشه راه معامله‌گران و ارزشمندترین ابزار کار آن‌ها

۱- درآمد شرکت به ازای هر سهم

۱- ROI: بازده سرمایه‌گذاری یا بازده هزینه‌ها نسبتی است بین درآمد خالص و سرمایه‌گذاری. ROI بالا به این معنی است که سود سرمایه‌گذاری در مقایسه با هزینه آن مطلوب است. به‌عنوان یک معیار عملکرد، ROI برای ارزیابی کارایی یک سرمایه‌گذاری یا مقایسه کارایی چندین سرمایه‌گذاری مختلف استفاده می‌شود.

۲- رتبه بندی RS عملکرد قیمت سهام یک سهم را در ۵۲ هفته گذشته دنبال می‌کند و سپس نتیجه را با سایر سهام مقایسه می‌کند. رتبه بندی به وضوح نشان می‌دهد که آیا سهام از نظر عملکرد قیمتی رهبر بازار است یا عقب مانده است.

هستند. برخی از الگوهای موردعلاقه من برای معامله عبارت‌اند از: هوک های سعودی، فنجان و دسته، کف و سقف در الگوهای دو قلو و وج‌های نزولی... می‌خواهم به دو مورد از سودآورترین معاملاتم در سال ۲۰۲۰ اشاره کنم. APPS Digital Turbine شرکتی است که در نزدک لیست شده است.

این یک شرکت توسعه دهنده نرم‌افزار موبایلی است که توزیع و تراکنش‌های محتوای موبایل را امکان‌پذیر می‌کند. از دسامبر ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۰، این شرکت در سه فصل متوالی افزایش EPS و فروش دو برابری و سه برابری داشته است. این شرکت دارای رتبه RS ۹۹ بود، به این معنی که آن‌ها از قدرت نسبی قوی‌تری نسبت به ۹۹ درصد شرکت‌های موجود در نزدک برخوردار بودند. این شرکت برخی از قوی‌ترین اطلاعات فاندامنتال را دارا بود.

من پوزیشنم روی این سهم را پس از خروج (برک‌اوت) سهام از روند نزولی در پایین الگوی کف دوقلو شروع کردم، سپس زمانی که از خط‌گردن این الگو خارج شد به حجم پوزیشن اضافه کردم و یک موقعیت فول‌سایز باز نمودم. من نصف معامله‌ام را در این حرکت سعودی فروختم و به اندازه‌ی نصف دیگر به حجم پوزیشنم با دیدن دوجی سعودی روی SMA 50 روزه اضافه کردم.

من یک سوم از سهامم را در صعود بعدی فروختم. زمانی که سهام یک سقف سه‌قلو شکل داد من نیمی دیگر را فروختم. الگوی سه‌قلو به وج تبدیل شد. من بقیه سهام را با افزایش‌های کوچک فروختم، در حالی که سهام بالا رفت تا زمانی که قیمت از SMA 50 روزه با حجم سنگین عبور کرد و نتوانست آن را پس بگیرد. هنگامی که قیمت به زیر میانگین متحرک کلیدی که قیمت حفظ کرده بود سقوط کرد، زمان خروج از معامله فرا رسیده است.

هنگامی که سهم به زیر میانگین‌های متحرک کلیدی (مخصوصاً در حجم بالا) که قیمت در کل دوره صعودی آن حفظ شده است، می‌رسد و نمی‌تواند بلافاصله این میانگین‌های متحرک را بازیابی کند، باید علائم هشداردهنده را مشاهده کنید که چشمک می‌زنند. به احتمال زیاد زمان خروج فوری از معامله فرا رسیده است.

در هر شکستی (برک اوتی) که من به حجم پوزیشن اضافه می‌کردم، (شکستی) در حجم بالا بود. این یک معامله با موقعیت عالی بود و از زمانی که من این معامله را شروع کردم، سهام ۲۹۰ درصد رشد قیمت داشت. تنها به تعداد انگشت شماری از این دست معاملات با سود بالا در هر سال نیاز است تا پرتفوی شما سودآور بماند و ضرر خود را به حداقل برسانید.

تسلا یکی از رهبران واقعی بازار در سال ۲۰۲۰ بود و حدود ۱۰۰۰ درصد از پایین‌ترین سطح خود در ماه مارس، رشد کرد. (زمان گسترش کووید-۱۹) سهام تسلا از دسامبر ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۰ در ۳ فصل متوالی دارای EPS سه برابری بود. با انباشت سرمایه جدید، رتبه RS روی ۹۰ و احساسات صعودی بسیار زیاد در معامله‌گران....

تقریباً هر معامله‌گری که من می‌شناسم، یک تکه از سود عجیب تسلا کننده است.

قرار نیست همیشه در پایین‌ترین قیمت بخریم و در بالاترین قیمت بفروشیم. قرار است یک تکه از یک لقمه‌ی بزرگ را گاز بزنیم. این دقیقاً همان کاری است که من با این معامله تسلا انجام دادم. من زمانی وارد معامله شدم که قیمت از یک الگوی پرچم کوچک صعودی در حجم بالا، شکست. سپس در طول این معامله ۳ بار جداگانه به این حجم اضافه کردم.

در کل روند صعودی، من حجم‌ها را بین یک دوم تا یک چهارم کم و زیاد کردم و در نهایت زمانی که قیمت در SMA 50 روزه در حجم بالا کاهش یافت و نتوانست بلافاصله آن را پس بگیرد، از معامله خارج شدم.

یادگیری ماهیت سهامی که معامله می‌کنید بسیار مهم است؛ زیرا هر سهمی شخصیت خاص خود را دارد. به عنوان مثال، تسلا در طول کل دوره خود به صورت صعودی تجمع شد و هر بار که قیمت شکست، با حجم بالایی شکست. در کل این معامله، قیمت از جایی که من معامله‌ام را شروع کردم، ۳۴۰٪ افزایش یافت.

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

بهترین توصیه من به معامله‌گران جدید این است که مدیریت ریسک باید اولویت اول باشد. یکی از مهم‌ترین فاکتورهای معامله، حفظ سرمایه شماست. منظورم فقط پول نیست. حفظ سرمایه‌ی ذهنی شما هم بسیار مهم است. اگر در حال از دست دادن پول هستید، مهم است احتیاط را بیشتر کنید، از حجم‌های کوچک‌تر و استاپ‌لاس‌های فشرده‌تر استفاده کنید.

اگر در معامله‌گری ذهن مطمئن و روشنی نداشته باشید، بسیار آسان سرمایه خود را از دست می‌دهید. بالاینکه در مورد جنبه ذهنی معامله‌گری به اندازه کافی صحبت نشده، اما یکی از مهم‌ترین جنبه‌های معاملات است. اگر برای جبران ضرر معامله می‌کنید، همیشه ضرر خواهید کرد و اگر از روی انتقام معامله کنید، نیز وضعیت همین خواهد بود.

به همین دلیل است که باید یک سیستم روشن و ساده مبتنی بر قوانین ایجاد کنید که بتوانید به آن پایبند باشید. زمانی که بازار به نفع شما کار نمی‌کند، بهتر است تمام پول خود را نقد کنید. شما همیشه مجبور نیستید در بازارها فعال

بمانید، به خصوص هنگام اصلاحات که ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد. باید بدانید چه زمانی کنار بروید و چه زمانی پای خود را روی پدال بگذارید. قانون ساده این است که اگر معاملات شما در سود هستند، باید به تدریج حجم را افزایش دهید و سیو سود کنید. اگر معاملات شما در ضرر هستند، باید میزان فعالیت را کاهش دهید. همیشه برای هر معامله از حد ضرر استفاده کنید. اگر معامله‌ای در جهت پیش‌بینی شما حرکت کرد همیشه می‌توانید دوباره به آن حجم اضافه کنید. با حجم مناسبی وارد شوید، بیشتر از ۱۰٪ از حساب خود را برای یک پوزیشن خرج نکنید. اگر ۵۰ درصد از حساب خود را در یک سهم قرار دهید و آن سهم در یک روز ۲۰ درصد کاهش یابد، در اصل کل حساب شما در آن روز ۱۰ درصد کاهش یافته است که اصلاً جالب نیست.

هرگز بیش از ۱٪ از کل حساب خود را برای هر معامله ریسک نکنید. همیشه زمانی که امکانش در دسترس است سود خود را سیو کنید، موقعیت اصلی خود را حفظ کنید، اما مطمئن شوید که همیشه در مسیر سود هستید. ضررهای خود را در حداقل‌ترین سطح ممکن نگه دارید. سودهای شما باید همواره بیشتر از ضررها باشند. وقتی یک وضعیت خوب در یک پوزیشن دارید، اجازه دهید بازار برای شما و به نفع شما کار کند.

فقط در صورتی که یک تغییر عمده در ماهیت سهم وجود داشته باشد یا قیمت از میانگین متحرک کلیدی در حجم سنگین عبور کند و بلافاصله آن میانگین متحرک را پس نگیرد، موقعیت خروج را در نظر بگیرید. هرگز خواسته خود را به بازار تحمیل نکنید، همیشه اجازه دهید معاملات به سمت شما بیایند.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

1) How to Make Money in Stocks by William O'Neil

2) Monster Stocks by John Boik

3) Reminiscences of a Stock Operator by Jesse Livermore

سه کتاب معاملاتی مورد علاقه من هستند.



Trader98.com

مصاحبه نششم؛ راجارشینتا سور بمبئی، هند

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود بگویید.

اطلاعات مختصری از سوابق تحصیلی من:

لیسانس بازرگانی- دانشگاه کلکته

کارشناسی ارشد امور مالی

مدرک MBA دانشگاه ISBM

۲. در ماه‌ها یا سال‌های اولیه معاملاتی با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

از آنجایی که تازه‌کار بودم، بیشتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گرفتم و کنترل کردن احساسات رایجی مانند ترس و طمع را تمرین نمی‌کردم. فقط با گذشت زمان توانستم ذهنم را برای کنترل این احساسات تربیت کنم. همچنین، من معاملات زیادی انجام می‌دادم و در جستجوی جام مقدس (معامله‌ای که زندگی‌ام را متحول کند) از این معامله به آن معامله می‌پریدم. همه این‌ها منجر به تبدیل زیان‌های کوچک به زیان‌های بزرگ‌تر شد.

احتمالاً سخت‌ترین چالش، اعتراف به اشتباه کردن و ادامه دادن است. برای من بیش از یک سال طول کشید تا بتوانم ضررهایم را کاهش دهم و بپذیرم که ضرر نیز بخشی از بازی معاملاتی است.

هنگامی که ذهن خود را آموزش دادید و این واقعیت را پذیرفتید، با شیوه‌های خوب مدیریت ریسک، می‌توانید به سودهای مستمر و پایدار دست یابید. گفتن این حرف آسان‌تر از انجام دادن آن است؛ زیرا گاهی اوقات چرخش‌های بازار می‌تواند باعث زیان‌های مداوم و از دست دادن اعتماد به نفس شما شود و این باعث می‌شود که احساس کنید یک آدم ضعیف هستید، یا برعکس، یک حرکت

صعودی خوب باعث توهمی در ذهن شما می‌شود که شما بهترین تاجر زنده در کل دنیا هستید که هر دو این احساسات، انحراف از اصل مطلب هستند.

اینجاست که قدرت ذهن، اعتقاد و انضباط به کمک شما می‌آید تا از ضررهای فاجعه‌آمیز جلوگیری کنید، به سرعت وضعیت خود را بهبود ببخشید، به طوری که دوباره به بازی باز گردید. در نهایت، همه چیز به اعصاب مربوط می‌شود!

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

در وهله اول، من روی سهام هند تمرکز می‌کنم، پس از آن به سراغ بازارهای جهانی فارکس می‌روم، اما بازار کالاها را هم از نزدیک دنبال می‌کنم. من یک سویینگ تریدر هستم به این معنی که موقعیت‌های معاملاتی را برای چند روز نگه می‌دارم؛ بنابراین ریسک بیشتری نسبت به معاملات روزانه دارم که ممکن است گپ‌هایی که در چارت به وجود می‌آید معاملاتم را خراب کند.

ضروری است که فرد بتواند قبل از انتخاب سبک معامله، ویژگی‌های شخصیتی و ریسک‌پذیری خود را شناسایی کند که البته این موضوع می‌تواند برای تازه‌کارها چالش‌برانگیز باشد، اما این برای ثبات طولانی مدت و داشتن رابطه‌ای صلح‌آمیز با بازارها ضروری است. اگر با حالتی مضطرب تصمیم به انجام معامله بگیرید، گپ می‌تواند باعث متورم شدن رگ‌های شما شود و این برای سلامتی شما و برای حساب مالی شما در دراز مدت مفید نیست. معاملات سویینگ معمولاً مستلزم حد ضرر بیشتری نسبت به معاملات روزانه هستند؛ بنا بر این توانایی حفظ آرامش، زمانی که معامله‌ای علیه شماست، یک ضرورت محسوب می‌شود.

۴. آیا در زمان شروع معامله متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت

غلبه کردید و بانگیزه ماندید؟

البته، مانند هر معامله‌گر مشتاقی، من نیز سهم خود را از پولم به بازارها اهدا

کرده‌ام. بیشتر در روزهای ابتدایی کارم و اندکی هم الآن هر از گاهی حتی امروز! ضررها مانند فامیل‌های بد شما هستند، ممکن است آن‌ها را دوست نداشته باشید، اما ناچار هستید که گه‌گاه با آن‌ها دیدار کنید. هنگامی که با هر یک از آن‌ها روبرو شدید، با احتیاط رفتار کنید.

این بسیار مهم است که به هر قیمتی از سرمایه خود محافظت کنید؛ زیرا با این سرمایه در بازارها فعال هستید و اگر آن را از دست بدهید، سفر شما به پایان می‌رسد. شما هر معامله را با شانس ۵۰-۵۰ شروع می‌کنید و علی‌رغم اینکه بازارها به کدام سمت می‌روند، در نهایت این نظم و انضباط، برنامه و مدیریت ریسک و کنترل بر رفتار شماست که به شما کمک می‌کند از یک سفر طولانی و پر رونق جان سالم به در ببرید. بهترین ورزشکاران حرفه‌ای وقتی متوجه می‌شوند که در بازی خود نقطه‌ضعفی دارند هیجان‌زده می‌شوند؛ زیرا آن‌ها از آن ضعف به عنوان یک کاتالیزور برای رشد خود استفاده می‌کنند.

برخی از اصول اساسی که من به آن‌ها پایبند هستم عبارت‌اند از:

۱. مسئولیت معاملات خود را می‌پذیرم.

به راحتی می‌توان بازارها، اخبار، رویدادها، تنش‌های جغرافیایی سیاسی، شانس یا هر خرافه تصادفی دیگری را سرزنش کرد. با این حال در نهایت باید تواضع کافی برای پذیرش مسئولیت را داشته باشید. به یاد داشته باشید، ممکن است یک خبر باعث شده باشد که بازارها مخالف جهت مورد نظر شما حرکت کنند، اما هیچ چیز مانع خروج شما از یک معامله نمی‌شود.

۲. از اشتباهات خود یا از نتایج کالبدشکافی یک معامله ناموفق که به هر دلیلی شکست خورده است، درس بگیرید.

اولین قدم برای حل یک مشکل، شناسایی و پذیرش وجود یک نقص است.

از خود بپرسید کجا کوتاه آمدید؟ آیا پلن خوبی برای این معامله داشتید؟ آیا از نظر ذهنی هوشیار بودید، یا به امید برگشتن از ضرر، معامله زیان دهی را نگه داشتید؟ کمی استراحت کنید تا بفهمید چه مشکلی پیش آمده است. با بررسی دقیق وقایع، اتفاقات را ارزیابی کنید. پس از شناسایی، به خود انگیزه بدهید تا با پشتکار مداوم بر این ضعف غلبه کنید، خواه با مطالعه عمیق‌تر، یادگیری مهارت‌های بهتر یا کنترل بیشتر بر ذهن و احساسات باشد.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال‌هایی همراه با نمودارها را ذکر کنید)

من از پرایس اکشن ساده برای معاملات خود پیروی می‌کنم؛ زیرا دوست دارم رویکرد معاملاتی را ساده نگه دارم. رویکرد ساده به ما این امکان را می‌دهد که نمودارها را بدون هیچ‌گونه سوگیری به وضوح ببینیم؛ مانند مثال زیر، می‌توانید ببینید که چه زیبا قیمت سهام از ۱۶۵۰ تا ۳۴۰۰ بازی کرد. یک معامله‌گر می‌توانست این سهم را پس از هر یک از شکست‌هایش (برک اوت‌هایش) خریداری کند یا اگر کسی قبلاً آن را از سطوح پایین‌تر خریداری کرده بود و نگه داشته بود، این شکست‌های جدید فرصتی برای افزودن به معامله برنده را برایش فراهم می‌کرد.



اینجا در مثال دوم، من از 50 EMA (میانگین متحرک نمایی) استفاده کرده‌ام و اساساً منتظر یک شکست تمیز بالای آن همراه با شکست خط روند بودم. پس از وقوع شکست، سقف قبلی هدف احتمالی بعدی بود. هنگامی که آن را شکست، ما می‌توانیم دوباره با همان 50 EMA ادامه دهیم.



نمودارها توسط TradingView

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

۱. قبل از ورود به بازارهای مالی، مطمئن شوید که ابزار مناسب را برای مسیریابی در اختیار دارید. برای کمک به تحلیل تکنیکال خود، قبل از اینکه اقدام به معامله کنید، خود را با اصول و یا مهارت‌های فاندامنتال مجهز کنید. قبل از اینکه اطلاعات کافی از بازارها، روش‌های عملکرد آن، قوانین و مقررات اولیه آن و مواردی از این دست داشته باشید، پولی وارد بازار نکنید.

۲. قبل از اینکه تصمیم به شیرجه زدن در بازار بگیرید، زمان کافی به کشف و بررسی بازارها اختصاص دهید. اگر جوان هستید، می‌توانید با یک کارگزار بورس به صورت کارآموزی همکاری کنید. از دوستان یا اعضای خانواده که در بازار هستند کمک بگیرید. به صورت غیر فعال اما از نزدیک پیگیر اتفاقات بازار باشید و اطلاعات عملی کافی جمع‌آوری کنید تا بتوانید قبل از اینکه پول خود را وارد بازار کنید، در موقعیت‌های مهم خودتان تصمیمات اساسی بگیرید.

۳. هرگز با سرمایه‌ی قرض گرفته‌شده معامله نکنید! بیشتر از این در مورد این موضوع سفارش نمی‌کنم. باید صرفاً با سرمایه خودتان، صرف نظر از اینکه چقدر اندک است، در بازارهای مالی بیایید و قربانی تبلیغات گمراه‌کننده «دو برابر کردن» پول، سودهای «تضمین‌شده» و سایر موارد مشابه نشوید. من به شما اطمینان می‌دهم که با ثبات، انضباط و پشتکار می‌توانید در طی یک دوره زمانی به اندازه کافی از بازارها درآمد کسب کنید، مشروط بر اینکه با آن مانند یک بازی رولت رفتار نکنید.

۴. هرگز سفر معامله‌گری خود را با بخش مشتقات مانند معاملات فیوچرز و آپشن به عنوان یک تازه وارد شروع نکنید. این بخش‌ها را به متخصصان بسپارید یا

زمانی که حداقل چند سال خود را به اندازه کافی آماده کردید و اگر به طور کامل تمام خطرات و احتمال ضرر را در همه‌ی سناریوها درک کردید، به سراغ آن بیاید. ۵. همان طور که قبلاً ذکر شد، استراتژی مناسب خود را پیدا کنید. راه‌های مختلفی برای کسب درآمد در بازار وجود دارد و من معتقدم یافتن استراتژی متناسب با شخصیت، سبک زندگی و ریسک‌پذیری شما بسیار مهم است.

۶. مهم‌ترین چیز مدیریت ریسک و پول است. حد ضرر تنها جام مقدس در دنیای معاملات است؛ زیرا هیچ چیز دیگری نمی‌تواند شما را از یک فاجعه نجات دهد. شما باید ذهنیتی بسیار شفاف از نسبت ریسک به پاداش داشته باشید. اگر ۱۰۰ دلار سرمایه دارید، باید مطمئن شوید که در هر معامله‌ای بیش از ۱۰ دلار از دست نمی‌دهید.

عملاً این کار به شما ده بار فرصت در بازار می‌دهد؛ زیرا بازار باید ۱۰ بار متوالی به شما ثابت کند که اشتباه می‌کنید تا حساب معاملاتی شما را از بین ببرد. به احتمال زیاد، اگر شما یک استراتژی منظم داشته باشید و انضباط و برنامه‌ریزی کافی برای پیروی از آن از نظر ذهنی همراه شما باشد، عجیب است که این احتمال رخ دهد. اگر در ابتدا متحمل ضرر و زیان شدید، بی‌انگیزه نشوید؛ زیرا تبدیل شدن به یک معامله‌گر با درآمد پایدار به زمان نیاز دارد، پس از زمان خود درست استفاده کنید.

۷- استراحت کنید! ذهن انسان طوری طراحی شده است که فقط تعداد ساعت معینی را در روز می‌تواند کار کند و فعالیت خود را با حداکثر بازدهی به انجام برساند. پس از آن به خواب، استراحت و آرامش نیاز داریم. من به سلامت روان و آرامش اهمیت زیادی می‌دهم و از این رو برای کمک به آرامشم به سفرهای متعددی می‌روم و این‌گونه استراحت می‌کنم. به یاد داشته باشید، بازارها منبع

درآمد شما هستند. هیچ‌کس از کسب درآمد لذت نمی‌برد، لذت واقعی در خرج کردن آن است. برای من لذت همیشه در سفر کردن به دور دنیاست؛ بنا بر این؛ به طور دوره‌ای استراحت کنید و از بازارها جدا شوید.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

- 1) **Technical Analysis of the Financial Markets: A Comprehensive Guide to Trading Methods and Applications** by John Murphy
- 2) **A Complete Guide To Volume Price Analysis** by Anna Coulling
- 3) **Market Wizards, Updated: Interviews with Top Traders** by Jack Schwager
- 4) **The Disciplined Trader: Developing Winning Attitudes** by Mark Douglas
The Complete Turtle Trader: How 23 Novice Investors Became Overnight Millionaires by Michael Covel
- 5) **Reminiscence of a Stock Operator** by Jesse Livermore

مصاحبه هفتم؛ پیوش چودری بمبئی، هند

۱. مختصری در مورد سوابق تحصیلی خود و اینکه اولین بار چه زمانی در مورد بازارها شنیدید بفرمایید؟

من لیسانسه‌ی بازرگانی و دارای مدرک MBA در امور مالی هستم و همچنین یک مدرک حسابداری در زمینه‌ی هزینه و کار دارم. با این حال، باید اضافه کنم که هر کس صرف نظر از سوابق تحصیلی خود، در بازارهای سهام عملاً از صفر شروع می‌کند.

اگرچه در طول دوره MBA در مورد بازارهای سهام شنیده بودم و خوانده بودم، اما تنها در طول یکی از جلسات تحلیل تکنیکال بود که به آن علاقه‌مند شدم.

۲. در ماه‌ها یا سال‌های معاملاتی اولیه با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

شروع حرفه معامله‌گری من بیشتر شبیه پریدن به داخل استخر و یادگیری شنا بود. در گذشته و بعد از این همه سال حضور در بازار، آن روش ورود، تقریباً بدترین راه برای ورود به بازارهاست.

۳. در چه بازارهایی معامله می‌کنید و سبک معاملاتی شما چیست؟

بازارهایی که ما معامله می‌کنیم به مهارت‌ها و خلق و خوی ما بستگی دارد. تمام تمرکز من همیشه روی الگوها و نمودارهای تجزیه و تحلیل تکنیکال بوده است. اگر چه من با الگوهای کلاسیک شروع کردم، اما چندین سال طول کشید تا به درک معقولی از اصل موج الیوت برسم. سپس کدنویسی را یاد گرفتم و تعدادی از استراتژی‌هایی را که معمولاً هنگام کار بر روی نمودارها مشاهده می‌کردم، کدنویسی کردم. مطالعات و خلق و خوی من هر دو برای پول و بازار فیوچرز

مناسب است و این دقیقاً کاری است که من در حال حاضر انجام می‌دهم.

۴. آیا در زمان شروع تجارت متحمل ضرر شدید؟ چگونه بر آن دوران سخت غلبه کردید و با انگیزه ماندید؟

خوب، این یک لیست طولانی را شامل می‌شود. فکر کنم سال‌ها برای کسب درآمد در بازارها تلاش کردم. انگار پازلی آنجا وجود داشت و من مدام در آن بهتر می‌شدم، اما در نهایت همیشه شرط را می‌باختم. این توهم که دارم بهتر می‌شوم به همراهی پوزیشن‌های با اهرم‌های بسیار بالا در سال ۲۰۰۸ باعث زیان بزرگی برای من شد. خیلی بیشتر از یک شوک مالی بود. احساس کردم که بعد از این همه سال یادگیری، پس‌انداز و کار، اگر تمام چیزی که می‌توانم مدیریت کنم این نوع خرابی در حساب مالی‌ام به بار می‌آورد، پس باید واقعاً برای بازسازی خودم تلاش کنم. در آنجا، من سفری را آغاز کردم که یک تغییر کامل بود. من در تمام این سال‌ها خودم را تا حد زیادی بازسازی کردم. من سخت‌تر مطالعه کردم و روی اصل موج الیوت و الگوریتم‌های معاملاتی کار کردم. روی سلامت خود تمرکز کردم و شروع کردم به حذف تمام نکات منفی زندگی. من دوباره روی تک‌تک جنبه‌های زندگی‌ام بازبینی انجام دادم.

۵. در حال حاضر چگونه معامله می‌کنید؟ (لطفاً در صورت امکان مثال همراه با نمودارها را ذکر کنید)

معاملات من در درجه اول در NIFTY و طبق اصل موج شماری است. برای بقیه معاملات، من فقط طبق استراتژی‌های معاملاتی خودکار خودم عمل می‌کنم. سبد سرمایه‌گذاری بلندمدت من نیز کاملاً بر اساس اصل موج الیوت است.

۶. توصیه شما به معامله‌گران جدید چیست؟

معامله‌گری سه رکن دارد.

- ذهن، پول و روش.

همه آن‌ها را قبل از ورود به بازارها درست کنید. از کوچک شروع کنید و به ساختن و پیشرفت خود ادامه دهید.

۷. خواندن چه کتاب‌هایی را به همه پیشنهاد می‌کنید؟

کتاب‌های زیر را که بسیار به من کمک کردند را به همه توصیه می‌کنم:

- 1) Technical Analysis of Stock Trends – Robert Edwards and John Magee
- 2) Technical Analysis of Financial Markets – John Murphy
- 3) Candlesticks Explained – Gregory Morris
- 4) Technical Analysis Explained – Martin Pring
- 5) Trading for a Living – Alexander Elder
- 6) Trading in the Zone – Mark Douglas
- 7) Elliott wave Principle – Robert Prechter

سخن پایانی

اگر این کتاب را دوست داشتید، خیلی ممنون می‌شوم اگر نقد ارزشمند خود را در آمازون ارسال کنید.

لینک آمازون - <https://amzn.to/3vpBxXE>

از شما بابت خواندن این کتاب بسیار سپاسگزارم. امیدوارم بینش مهمی در مورد بازار سهام کسب کرده باشید و پیام این کتاب بتواند مسیر موفقیت شما در معامله‌گری را هموار کند.

همان طور که متوجه شدید، همه این معامله‌گران تأکید می‌کنند که طرز فکر، مهم‌ترین معیار برای یک معامله‌گر موفق است. این کتاب باید به شما در رسیدن به این موضوع کمک کند. موفق باشید و معاملات سودآوری داشته باشید!
اگر می‌خواهید برای به روزرسانی‌های بیشتر، من را در رسانه‌های اجتماعی دنبال کنید.

Twitter – TraderHarneet

YouTube – Trader Harneet

Blog – www.tradelikeamonk.com

